مصوبات مجلس شورای اسلامی
در خصوص: لایحه تجارت

فهرست:

فصل اول- مقررات عمومی ۱
فصل دوم- دلالی ۷
فصل سوم- حق‌العمل‌کاری ۹
فصل چهارم- نمایندگی تجارتی ۱۰
فصل پنجم- حمل و نقل ۱۲
فصل ششم- قرارداد امانت‌گذاری در انبار عمومی ۱۸
فصل هفتم- وثیقه تجارتی ۲۲
فصل هشتم- معامله از طریق حراجی ۲۴
فصل نهم- اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) ۲۷
فصل دهم- نمایندگی توزیع ۳۰
فصل یازدهم- ضمانت ۳۳
فصل دوازدهم- اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز) ۳۸

- با توجه به اینکه تصویب دو ماده از این لایحه به کمیسیون ارجاع شده است، فایل تکمیل شده را در کانال شناسنامه قانون دانلود کنید:

تلگرام: https://t.me/shenasname

سروش: https://sapp.ir/shenasname

بله: https://ble.im/shenasname

ایتا: https://eitaa.com/shenasname

لایحه تجارت- قراردادهای تجاری

(ماده ۱ الی ۱۶۴)

فصل اول- مقررات عمومی

ماده ۱- مقررات این قانون در موارد زیر اعمال می‌شود:

۱- کلیه قراردادهای منعقد شده بین صاحبان حرف با یکدیگر

۲- کلیه قراردادهای منعقد شده بین صاحبان حرف با مصرف‌کنندگان، مشروط بر آن که قوانین و مقررات مساعدتری به نفع مصرف‌کننده بر رابطه قراردادی بین صاحب حرفه و مصرف‌کننده حاکم نباشد.

۳- کلیه قراردادهای منعقد شده بین مصرف‌کنندگان با یکدیگر، مشروط بر آن که طرفین قرارداد خود را صریحاً تابع این قانون قرار داده یا قوانین مربوط نسبت به حکم قضیه ساکت بوده باشند.

تبصره ۱- شخصی که قرارداد را خارج از فعالیت‌های شغلی خود منعقد می‌کند مصرف‌کننده و شخصی که قرارداد را در چارچوب فعالیت‌های شغلی خود منعقد می‌کند صاحب حرفه نامیده می‌شود.

ماده ۲- اشخاص در انعقاد قرارداد خصوصی، تعیین مفاد و تعیین قانون حاکم بر آن آزادند.

ماده ۳- قرارداد، تابع قانون محلی است که با توجه به اوضاع و احوال مسلم قضیه بیشترین ارتباط را با آن قرارداد داشته باشد مگر آنکه متعاقدین آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

ماده ۴- طرفین قرارداد می‌توانند شمول اِعمال قانون را نسبت به قرارداد استثنا یا محدود نمایند یا مفاد قانون قابل اعمال را به نحو دلخواه تغییر دهند.

shenasname.ir

قاعده آمره قابل اعتماد در مورد قرارداد قابل استثنا، تحدید یا تغییر نیست.

تبصره- قاعده آمره عبارت است از احکام الزامی شرعی، مباحات اقتضائی و قواعد قابل اعمال مرتبط با نظم عمومی.

ماده ۵- انعقاد قرارداد، ابراز اراده یا هر عمل دیگر مرتبط با قرارداد و اثبات آنها نیازمند هیچ تشریفات خاصی نیست. این امور، به هر وسیله از جمله شهادت شهود، قابل اثبات است.

ماده ۶- قرارداد ممکن است دو تعهدی یا تک‌تعهدی باشد. قرارداد دوتعهدی قراردادی است که به موجب آن طرفین تعهدات متقابلی را به نفع یکدیگر به عهده می‌گیرند و قرارداد تک‌تعهدی قراردادی است که به موجب آن یک طرف در مقابل طرف دیگر تعهدی را به عهده می‌گیرد، بدون آن که متعهدله تعهد متقابلی را به نفع متعهد به عهده گرفته باشد.

ماده ۷- تعهد یک طرفه قراردادی است که به موجب آن یک طرف (متعهد) به دیگری (ذی‌نفع) در دوره زمانی مشخص حق انتخاب انعقاد قراردادی را می‌دهد که عناصر ضروری آن تعیین شده و فقط اراده ذی‌نفع برای تشکیل آن ابراز نشده است. لغو تعهد یک طرفه در دوره زمانی تعیین‌شده برای ذی‌نفع جهت اعمال حق مانع انعقاد قرارداد تعهدشده نیست. قرارداد با شخص ثالث آگاه به وجود تعهد یک‌طرفه که به سبب آن تعهد مذکور نقض شده است، باطل است.

ماده ۸- در تفسیر این قانون باید به ویژگی تجارتی آن و هدف قانون شامل ایجاد وحدت رویه در اعمال مقررات تجارتی توجه شود.

ماده ۹- در این قانون:

«هویت» شامل نام، نام خانوادگی و شماره ملی برای اشخاص حقیقی و نام و شماره انحصاری برای اشخاص حقوقی است.

«دادگاه» شامل هر دیوان داوری نیز می‌شود.

«نوشته» شامل هر چیزی است که حاوی ثبت اطلاعات موجود در خود و قابل تکثیر به شکل ملموس یا محسوس باشد.

ماده ۱۰- کلیه اخطارهای مقرر شده در مواد این قانون متناسب با وسایل ارتباطی در دسترس با توجه به اوضاع و احوال قابل انجام است.

تبصره- مقصود از اخطار هر بیانیه، تقاضا، درخواست یا ابراز قصد دیگر است.

ماده ۱۱- اخطار از زمان وصول به مخاطب قانوناً واجد اثر است. اطلاع شفاهی مخاطب، تحویل اخطار به محل فعالیت مخاطب یا نشانی پستی وی از مصادیق وصول اخطار است.

تبصره- چنانچه یکی از طرفین بیش از یک محل فعالیت داشته باشد، تحویل اخطار به محلی که با توجه به اوضاع و احوال مسلم یا به موجب توافق طرفین قبل از انعقاد قرارداد، نزدیکترین ارتباط را با قرارداد یا اجرای آن داشته باشد از مصادیق وصول اخطار است.

ماده ۱۲- طرفین مکلفند در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد، اصل حسن نیت و عمل منصفانه در تجارت را رعایت کنند. طرفین نمی‌توانند بر خلاف مفاد این ماده توافق کنند.

ماده ۱۳- رعایت حسن‌نیت به وسیله طرفین مفروض است، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

shenasname.ir

ماده ۱۴- هیچ شخصی در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد نباید ناهماهنگ با تصوری که خود برای طرف دیگر ایجاد کرده است، عمل کند. اگر طرف مقابل با اعتماد متعارف به وضع ایجادشده اقداماتی را انجام دهد با هزینه‌هایی را متحمل گردد، شخصی که وضع مذکور را ایجاد نموده، مسؤول خسارات وارد شده است.

ماده ۱۵- هر یک از طرفین مکلف است اطلاعاتی را که در جریان مذاکرات قراردادی به عنوان «اطلاعات محرمانه» از سوی طرف دیگر به او ارائه می‌شود حفظ نماید، ولو آنکه مذاکرات مذکور به انعقاد قرارداد منجر نشود. در صورت افشای اطلاعات مذکور یا استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، متخلف مسؤول جبران خسارات وارد شده است. تعهد به عدم افشای اطلاعات مذکور، در صورت انعقاد قرارداد تا پایان آن و در صورت عدم انعقاد قرارداد دو سال از تاریخ مذاکرات است، مگر این که به موجب توافق طرفین مدت دیگری مشخص شده باشد. در هر صورت، تکلیف حفظ اسرار تجارتی طرفین و عدم استفاده از آن محدود به مدت‌های مذکور نیست.

ماده ۱۶- شروع مذاکره قراردادی و ادامه آن باید با هدف حصول توافق صورت گیرد و طرفین در طول مذاکرات مکلف هستند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً برای اتخاذ یک تصمیم متعارف در خصوص انعقاد قرارداد لازم است به طرف مقابل ارائه نمایند. در غیر این صورت و نیز در صورتی که یکی از اطراف مذاکره به نحو غیرمتعارف، غیرموجه و یک‌جانبه مذاکرات را قطع نماید، مسؤول خسارات و هزینه‌های تحمیل شده بر طرف مقابل است.

تبصره- شروع مذاکره صرفاً با هدف بازداشتن طرف مقابل از مذاکره با دیگری، ورود به مذاکرات باهدف دستیابی به اسرار تجارتی و اطلاعات مالی طرف مقابل، شروع مذاکراتی که بی‌نتیجه بودن آن از ابتدا بر شخص شروع‌کننده معلوم است یا شروع مذاکره بدون اینکه مذاکره کننده اختیار توافق مورد نظر را داشته باشد، از مصادیق مذاکره بدون هدف حصول توافق محسوب می‌شود.

ماده ۱۷- در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطای نمایندگی است، نماینده نمی‌تواند خود را در وضعیتی قرار دهد که با اعطاکننده نمایندگی دارای تعارض منافع شود، مگر آنکه این امر را قبلا به وی اطلاع داده باشد.

ماده ۱۸- چنانچه شخصی به هر طریق موجب شود که دیگری نماینده یا دارای اختیاراتی از جانب او شناخته شود و اشخاص ثالث با اعتماد متعارف به وضع ایجادشده با او به مانند نماینده یا شخص واجد اختیار برخورد نمایند، اصیل نمی‌تواند در مقابل شخص ثالث به فقدان نمایندگی یا فقدان اختیارات نماینده استناد کند.

ماده ۱۹- عزل نماینده‌ای که نمایندگی او در دفتر ثبت تجارتی به ثبت رسیده است باید ثبت و آگهی شود. در غیر این صورت، عزل در مقابل شخص ثالث ناآگاه غیر قابل استناد است.

ماده ۲۰- اگر طرفین تعیین برخی از مفاد قرارداد را به مذاکرات بعدی یا شخص ثالث موکول کرده باشند، این امر مانع از انعقاد قرارداد نیست. در این صورت، چنانچه طرفین بعداً در مورد مفاد مذکور به توافق نرسند یا شخص ثالث آن را تعیین نکند، قرارداد باطل نمی‌شود، مشروط بر این‌که معیار متعارفی برای تعیین آن مفاد وجود داشته باشد که در این صورت مفاد مذکور باید با توجه به آن معیار تعیین شود.

ماده ۲۱- طرفین می‌توانند توافق کنند مبلغ معامله به وسیله شخص ثالث یا بر اساس ضابطه‌ای

shenasname.ir

مشخص تعیین شود. هرگاه تعیین مبلغ به شخص ثالث واگذار شده باشد، شخص مذکور باید در تعیین مبلغ به نحو متعارف عمل کند. چنانچه ثالث نخواهد یا نتواند مبلغ را تعیین کند، مبلغ مذکور به نحو متعارف تعیین می‌شود. چنانچه توافق شده باشد مبلغ معامله بر اساس ضابطه‌ای تعیین شود که دیگر وجود ندارد یا قابل دسترس نیست، نزدیکترین ضابطه معادل با ضابطه مورد توافق باید جایگزین شود.

ماده ۲۲- در موارد زیر، شرط مندرج در قرارداد، چنانچه موجب عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین گردد، غیر منصفانه محسوب می‌شود و زیان دیده می‌تواند خواهان ابطال شرط شود:

۱- شرط مندرج در قرارداد بین مصرف‌کننده و صاحب حرفه، چنانچه شرط به زیان مصرف‌کننده باشد؛

۲- شرط مندرج در قراردادی که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار است، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛

۳- شرط مندرج در قرارداد نمونه ارائه شده از سوی یکی از طرفین، چنانچه شرط به زبان طرف دیگر باشد؛

تبصره ۱- در احراز عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین باید به ماهیت و هدف قرارداد، اوضاع و احوال حاکم بر انعقاد قرارداد و سایر شروط آن قرارداد توجه شود

تبصره ۲- در مواردی که زیان‌دیده خواهان ابطال شرط است، اگر طرف مقابل قبول نماید که شرط مذکور تعدیل شود، دادگاه حکم به تعدیل شرط به نحو متعارف می‌دهد.

ماده ۲۳- در قراردادهایی که شخص صاحب حرفه با مصرف‌کننده منعقد می‌کند، درج شروط زیر به نفع صاحب حرفه ممنوع است و درج آن کأن لم یکن محسوب می‌شود:

۱- شرطی که مسؤولیت قانونی صاحب حرفه را منتفی یا محدود نماید.

۲- شرطی که حقوق قانونی طرف مقابل را در صورت عدم اجرای جزئی یا کلی قرارداد از سوی صاحب حرفه منفی یا محدود نماید.

۳- شرطی که به صاحب حرفه حق فسخ دهد، چنانچه طرف مقابل در همان مورد فاقد این حق باشد.

۴- شرطی که به صاحب حرفه در تغییر نوع انجام کار با صفات محصول، بدون دلیل منطقی بیان شده در قرارداد، اختیار بدهد.

۵- شرطی که به صاحب حرفه در تعیین قیمت در زمان تسلیم یا افزایش آن اختیار بدهد، بدون آنکه در همان مورد به طرف مقابل حق فسخ داده شده باشد،

۶- شرطی که تفسیر قرارداد با داوری در خصوص مطابقت کالا یا خدمات ارائه شده با مفاد قرارداد را به شخص ارائه‌کننده یا ثالثی که از جانب او تعیین می‌شود واگذار کند.

۷- شرطی که تعهد طرف مقابل را قطعی کند، اما انجام تعهد از سوی صاحب حرفه را منوط به شرطی تعلیقی نماید که تحقق آن منوط به اراده خود او است.

۸- شرطی که به موجب آن بار اثبات از عهده صاحب حرفه به طرف مقابل منتقل شود.

۹- شرطی که وجه التزام تعیین شده در قرارداد را در مقایسه با صدمه و زیان ناشی از عدم اجرای تعهد با تأخیر در آن و اوضاع و احوال دیگر، به نحو غیر متعارفی بیشتر تعیین کرده باشد.

۱۰- شرطی که مصرف‌کننده را به قبول داوری ملزم نماید که صاحب حرفه تعیین می‌کند.

shenasname.ir

تبصره- در قراردادهایی که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار باشد هرگاه شروط موضوع این ماده به زیان طرف دیگر درج گردد، حکم این ماده مجری است.

ماده ۲۴- هر قراردادی که به طور صحیح منعقد شده است، برای طرفین الزام‌آور است. هرگونه تغییر مفاد قرارداد یا فسخ آن، تنها، به موجب مفاد خود قرارداد با توافق جدید امکان‌پذیر است، مگر این که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۲۵- طرفین به رعایت رویه‌ها و شیوه‌های معمول بین خود ملزم هستند.

ماده ۲۶- طرفین به رعایت عرف‌هایی که به طور معمول در معاملات مرتبط به وسیله اشخاص رعایت می‌شود، ملزم هستند، مگر آن که اعمال عرف مذکور در خصوص آن رابطه قراردادی، نامتعارف باشد.

ماده ۲۷- در تفسیر کلیه قراردادها در صورت فقدان قوانین آمره سکوت قرارداد به ترتیب بر رویه و شیوه معمول بین طرفین، عرف خاص، عرف عام و قوانین تکمیلی محمول است.

ماده ۲۸- اگر شرط مبهمی به پیشنهاد یکی از طرفین در قرارداد درج شده باشد، آن شرط به ضرر پیشنهاددهنده آن تفسیر خواهد شد.

ماده ۲۹- هر یک از طرفین مکلفند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً لازمه اجرای قرارداد است به طرف مقابل ارائه نمایند. هیچ یک از طرفین نمی‌تواند با استناد به اینکه اطلاعات مذکور در زمره اسرار تجارتی است یا عدم ارائه آنها در قرارداد شرط شده است، از انجام این تکلیف خودداری نماید.

ماده ۳۰- تا زمانی که متعهد اخطاری از متعهدله مبنی بر انتقال حق دریافت نکرده است با انجام تعهد برای انتقال‌دهنده از تعهد خود بری می‌شود. پس از اینکه شخص متعهد اخطار مزبور را وصول کرد، فقط با ایفای تعهد برای متقل الیه از تعهد خود بری می‌شود. اگر حق واحدی به طور متوالی به دو یا چند شخص انتقال یافته باشد، شخص متعهد با ایفای تعهد مطابق با توالی دریافت اخطارها از تعهد خود بری می‌شود.

ماده ۳۱- در موردی که موضوع تعهد عملی است که انجام آن جز به وسیله متعهد ممکن نیست، چنانچه متعهدله از دادگاه اجبار متعهد به اجرای قرارداد را تقاضا کند، دادگاه می‌تواند به درخواست متعهدله، در حکم راجع به اصل دعوا یا پس از صدور حکم، به تناسب موضوع تعهد، مدت و مبلغی را معین نماید که اگر محکوم‌علیه مدلول حکم قطعی را در آن مدت اجراء نکند، مبلغ مزبور را برای هر روز تأخیر به محکوم‌له بپردازد.

ماده ۳۲- چنانچه نماینده، به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد با هویت منوبٌ‌عنه را افشاء ننماید، طرف مقابل می‌تواند علاوه بر اصیل، اجرای قرارداد را از نماینده نیز مطالبه کند.

ماده ۳۳- چنانچه نماینده به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد و هویت منوبٌ‌عنه را افشاء نماید، طرف مقابل فقط می‌تواند اجرای قرارداد را از اصیل مطالبه کند، مگر این که نماینده نیز صریحاً یا ضمناً اجرای قرارداد را تعهد نموده باشد.

ماده ۳۴- چنانچه پیش از تاریخ اجرای تعهد، با توجه به اوضاع و احوال، ظن متعارف وجود داشته باشد که یکی از طرفین تعهدات اساسی خود را در تاریخ مقرر اجراء نخواهد کرد، طرف دیگر می‌تواند خواستار ارائه تضمین متناسب برای اجرای تعهد باشد و تا ارائه آن از اجرای تعهدات خویش خودداری کند. اگر تضمین متناسب در مدت زمان متعارف ارائه

shenasname.ir

نشود، طرف دیگر می‌تواند قرارداد را فسخ کند. با وجود این، چنانچه عدم اجرای تعهدات اساسی یکی از طرفین در تاریخ مقرر قطعی باشد، تقاضای ارائه تضمین لازم نیست و طرف دیگر می‌تواند رأسا قرارداد را فسخ کند.

تبصره- در احراز اساسی بودن تعهد نقض‌شده اوضاع و احوال مسلم قضیه از جمله رکن بودن تعهد نقض‌شده، شدت زیان‌بور بودن نقض و ناکارآمد بودن اجبار متعهد به ایفای تعهد مناط اعتبار است.

ماده ۳۵- در صورت نقض تعهدات اساسی قرار دادی، متعهدله می‌تواند رأساً قرارداد را فسخ نماید. در این مورد، وجود حق فسخ مانع الزام به ایفای تعهد و اعمال آن مانع تقاضای جبران خسارات ناشی از نقض نیست.

ماده ۳۶- در صورت نقض تعهدات غیر اساسی قراردادی، متعهدله می‌تواند به موجب اخطار مهلت اجرای قرارداد به وسیله متعهد را به نحو متعارف تمدید کند. در این صورت، متعهدله مجاز به الزام متعهد به ایفای تعهد نیست. اگر متعهد تعهدات خود را در مهلت مذکور اجراء نکرد یا اعلام نمود که اجراء نمی‌کند، متعهدله می‌تواند تا زمانی که تعهد مذکور انجام نشده است، قرارداد را فسخ نماید. در هر حال، متعهدله می‌تواند، حسب مورد، خسارات ناشی از عدم اجرای قرارداد با تأخیر در اجرای آن را از متعهد مطالبه کند، مگر اینکه عدم اجراء یا تاخیر به حادثه خارجی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل رفع مستند باشد.

ماده ۳۷- هر گونه نقض قرارداد، شامل عدم اجرای قرارداد با تأخیر در اجرای آن، به زیان‌دیده حق مطالبه جبران کامل خسارت را می‌دهد، مگر این که نقض قرارداد ناشی از تجویز صریح مقنن باشد. مطالبه جبران کامل خسارت نافی اعمال ضمانت اجراءهای دیگر در نظر گرفته شده برای نقض قرارداد نیست و اعمال ضمانت اجراءهای مذکور، نافی حق مطالبه جبران کامل خسارت نمی‌باشد.

تبصره- خسارت شامل هر ضرر واردشده، اعم از مادی و معنوی، و هر محرومیت از نفع، از جمله نفع ناشی از اجتناب از هزینه یا خسارت، می‌گردد.

ماده ۳۸- اگر یکی از طرفین قرارداد به دلیل نقض تعهدات قراردادی طرف دیگر طبق مقررات معامله را فسخ کند و طی مدت و به طریق متعارف معامله ای جایگزین منعقد نماید، می‌تواند مابه التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ معامله جایگزین و هر خسارت دیگر ناشی از این امر را از طرف دیگر مطالبه کند. اگر طرف زیان‌دیده معامله جایگزینی منعقد نکرده اما مبلغ رایجی برای اجرای موضوع تعهد وجود داشته باشد، وی می‌تواند مابه‌التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ رایج در زمان فسخ قرارداد و هر خسارت دیگر ناشی از عدم اجراء یا تأخیر در اجرای قرارداد را از طرف دیگر مطالبه کند. مبلغ رایج مبلغی است که عرفا برای کالاها یا خدمات موضوع قرارداد در اوضاع و احوال مشابه، در محل اجرای قرارداد، مقرر است.

ماده ۳۹- در صورت بروز حوادثی که تعادل قرارداد را به طور اساسی بر هم زده یا به نحو فاحشی هزینه اجرای تعهد را برای یک طرف افزایش داده است، طرف زیان‌دیده حق دارد به منظور ایجاد تعادل قراردادی در مدت متعارف و با ذکر دلایل درخواست مذاکره کند. درخواست مذاکره حق خودداری از اجرای تعهدات را به طرف زیان دیده نمی‌دهد. در صورت عدم دستیابی به توافق در مدت متعارف، هریک از طرفین می‌توانند تعدیل قرارداد را از دادگاه تقاضا کنند. دادگاه در صورت احراز موضوع این ماده، حکم به تعدیل قرارداد می‌دهد و چنانچه حکم به

shenasname.ir

تعدیل نامتعارف یا تعدیل ناممکن باشد، از تاریخ حکم قرارداد را ابطال می‌کند

تبصره ۱- چنانچه قرارداد در خصوص نحوه تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، متضمن مقرراتی باشد، مفاد این ماده اجراء نخواهد شد، مشروط بر آن که مقررات مذکور غیرمنصفانه نباشد. در هر حال، طرفین نمی‌توانند بر عدم امکان تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، توافق نمایند.

تبصره ۲- حوادث قبل از انعقاد قرارداد که زیان‌دیده نسبت بدان مطلع بوده است یا باید مطلع می‌بود، حوادثی که برای زیان‌دیده به هنگام انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی با کسب اطلاع بوده است، بعضی از حوادثی که زیان دیده خطر احتمالی ناشی از آن را بر عهده گرفته باشد و مواردی که تأخیر زیان دیده موجب آن شده است، موجب ابطال یا تعدیل قرارداد نیست.

ماده ۴۰- در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطای نمایندگی است، سمت نمایندگی، حسب مورد، با انحلال، فوت یا حجر اعطاء کننده نمایندگی پایان می‌یابد، لکن، در صورت اقتضای ضرورت، نماینده قبلی تا تعیین نماینده جدید، با رعایت مصلحت، مسؤولیت اداره اموال را بر عهده خواهد داشت.

ماده ۴۱- نحوه محاسبه کلیه مهلت‌ها و مواعد مقرر در قراردادها و این قانون تابع قانون آیین دادرسی مدنی است مگر به موجب قرارداد با قانون بر خلاف آن مقرر شده باشد.

فصل دوم- دلالی

ماده ۴۲- دلالی عقدی است که به موجب آن دلال در برابر دیگری (آمر) تعهد می‌کند که برای او طرف معامله پیدا کند و در انعقاد معامله با طرف مذکور وساطت نماید.

مبحث اول- حقوق و تکالیف دلال

ماده ۴۳- دلال می‌تواند در رشته های مختلف دلالی کند و شخصاً نیز به تجارت بپردازد.

ماده ۴۴- دلال می‌تواند در یک زمان برای چند آمر دلالی کند. در این صورت، باید آنها را از این موضوع و مسائل دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود آگاه کند.

ماده ۴۵- دلال در مقابل هر یک از طرفین مسوول خسارات ناشی از تقصیر خود است.

ماده ۴۶- دلال باید اطلاعات صحیح و کاملی را در مورد جزئیات معاملات مرتبط با موضوع دلالی به طرفین معامله ارائه کند، حتی اگر دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد.

ماده ۴۷- دلال نمی‌تواند از سوی یکی از طرفین معامله وجهی را دریافت، دینی را تأدیه و یا اینکه تعهدات وی را اجرا کند، مگر اینکه چنین اجازه ای داشته باشد.

ماده ۴۸- دلال مسؤول حفظ و نگهداری کلیه اشیا و اسنادی است که ضمن معاملات به او تسلیم می‌شود، مگر اینکه ثابت کنند تلف اشیا یا اسناد مذکور ناشی از علتی است که به شخص او یا کارکنان وی مستند نیست.

ماده ۴۹- هرگاه اسناد معامله در حضور دلال، امضا و یا به وسیله او رد و بدل شود، دلال ضامن اصالت امضاءهای مندرج در اسناد مذکور است.

shenasname.ir

ماده ۵۰- دلال ضامن اجرای معاملاتی که به وساطت او منعقد می‌شود نیست.

ماده ۵۱- دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که به عنوان طرف معامله به آمر خود معرفی می‌کند، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسؤولیت معاف شده باشد. با این حال در صورت تقصیر دلال، شرط عدم مسؤولیت دلال مانع از رجوع به او در صورت تقصیر نخواهد بود. دلال در مقابل طرف قرارداد، ضامن اعتبار آمر خود نیست.

ماده ۵۲- دلال در مورد ارزش یا جنس کالای مورد معامله در برابر آمر مسؤول است، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسؤولیت معاف شده باشد. با این حال، شرط عدم مسؤولیت دلال مانع از رجوع به وی در صورت تقصیر نیست.

ماده ۵۳- هرگاه طرفین معامله با یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کنند، دلال در مقابل متعهدله مسؤول اجرای معامله است.

ماده ۵۴- چنانچه دلال در معامله موضوع قرارداد دلالی ذی‌نفع یا سهیم باشد، باید طرف ناآگاه را از این امر مطلع کند. در غیر این صورت مسؤول خسارات وارد شده است و به جزای نقدی از یک دهم تا نصف ارزش مورد معامله محکوم می‌شود.

ماده ۵۵- در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد، با آمر خود متضامناً مسؤول اجرای تعهد است.

ماده ۵۶- دلال حق ندارد برخلاف تعهد خود در برابر شخصی که به وی مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام یا برخلاف عرف تجارتی محل از وی وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. در این صورت، دلال مستحق اجرت و هزینه‌های صرف‌شده نیست و به جزای نقدی درجه چهار و دو سال محرومیت از دلالی محکوم می‌شود.

مبحث دوم- اجرت و هزینه‌های دلال

ماده ۵۷- میزان اجرت دلال به موجب قرارداد تعیین می‌شود. در صورت وجود تعرفه مصوب مراجع ذی صلاح، میزان اجرت دلال نباید از تعرفه مذکور بیشتر باشد.

ماده ۵۸- دلال نمی‌تواند اجرت را مطالبه کند، مگر معامله به وساطت او منعقد شود.

ماده ۵۹- هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد، دلال پس از حصول شرط، مستحق اجرت است.

ماده ۶۰- مخارجی که دلال در اجرای دلالی با اذن یا اجازه آمر متحمل شده است، حتی در صورت عدم انعقاد معامله نیز، قابل مطالبه است.

ماده ۶۱- اجرت و مخارج دلال بر عهده طرفی است که او را مأمور می‌کند، مگر اینکه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۶۲- در صورتی که معامله اقاله یا به استناد یکی از خیارات قانونی فسخ شود، حق مطالبه اجرت از دلال سلب نمی‌شود، مشروط بر اینکه اقاله با فسخ معامله به دلال مستند نباشد.

ماده ۶۳- دلالی معاملات ممنوع اجرت ندارد.

ماده ۶۴- در موردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه کالا را تا پایان اجرای تعهدات طرفین با زمانی که در قرارداد معین شده است نگاه دارد، مگر اینکه به تراضی دو طرف از این قید معاف شده باشد. کالای فاسدشدنی از شمول این حکم مستثنی است.

ماده ۶۵- دلال مکلف است از هرگونه افشای اسرار دو طرف معامله، که وی به اقتضای شغل خود از آن آگاه شده است، خودداری نماید. در صورت افشای

shenasname.ir

اسرار مذکور با استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، مسؤول جبران خسارات وارده است.

ماده ۶۶- دلال باید کلیه معاملاتی را که به وساطت او انجام گرفته است، با ذکر نوع و مشخصات معامله و طرف‌های آن در یک دفتر الکترونیک ثبت کند.

فصل سوم- حق‌العمل‌کاری

ماده ۶۷- حق‌العمل‌کاری عقدی است که به موجب آن شخصی در مقابل دیگری (آمر) تعهد می‌کند که به نام خود و حساب او معامله نماید.

مبحث اول- حقوق و تکالیف حق‌العمل‌کار

ماده ۶۸- حق‌العمل‌کار باید آمر را از اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام دادن معامله به فوریت مراتب را با ذکر مشخصات و زمان معامله به او اطلاع دهد.

ماده ۶۹- حق‌العمل‌کار مکلف به بیمه کردن موضوع معامله نیست، مگر اینکه آمر دستور داده یا قانون مقرر کرده باشد.

ماده ۷۰- حق‌العمل‌کار مسؤول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر یا تقلب او ناشی می‌شود.

ماده ۷۱- اگر کالایی که به منظور فروش برای حق‌العمل‌کار ارسال می‌شود دارای عیوب ظاهری باشد، حق‌العمل‌کار باید برای حفظ حق رجوع آمر به متصدی حمل ونقل و تعیین میزان خسارت، اقدامات لازم را انجام دهد و به نحو مقتضی کالا را محافظت و آمر را از اقدامات خود آگاه کند. در غیر این صورت مسؤول خسارت ناشی از این تقصیر است.

ماده ۷۲- اگر فروش کالایی که برای حق‌العمل‌کار ارسال می‌گردد ممکن نشود و با آمر از إذن فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق‌العمل‌کار بگذارد، وی می‌تواند آن را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده ۷۳- در هر صورت، چنانچه بیم فساد سریع کالایی رود که به منظور فروش برای حق‌العمل‌کار ارسال شده است، حق‌العمل‌کار می‌تواند و در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

ماده ۷۴- در صورتی که حق‌العمل‌کار بدون رضایت آمر مالی را به اقساط یا نسیه بفروشد یا به صورت سلف بخرد یا برای خرید، پیش‌پرداختی بدهد، ضررهای ناشی از آن بر عهده وی است. با وجود این، اگر خرید یا فروش به نحو مذکور مطابق رویه بین طرفین یا عرف تجارتی محل اجرای حق‌العمل‌کاری باشد، حق‌العمل‌کار به انجام آن مجاز است، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۷۵- چنانچه حق‌العمل‌کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است بخرد، در برابر آمر مسؤول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق‌العمل‌کار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتر به آمر بوده و کسب اجازه از وی در آن زمان مقدور نبوده است.

ماده ۷۶- اگر حق‌العمل‌کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است بفروشد، حق تصرف در تفاوت قیمت را ندارد و باید تفاوت آن را به حساب آمر منظور کند.

shenasname.ir

ماده ۷۷- در موارد زیر حق‌العمل‌کار می‌تواند خود طرف معامله قرار گیرد:

۱- چنانچه آمر صریحا به حق‌العمل‌کار إذن داده باشد.

۲- چنانچه حق‌العمل‌کار مأمور به خرید و یا فروش کالا، اسناد تجارتی و یا سایر اوراق بهاداری باشد که قیمت بورسی یا بازاری دارد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۷۸- در موارد مذکور در ماده (۷۷) اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق‌العمل‌کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مطلع گردد، دیگر نمی‌تواند خود خریدار یا فروشنده باشد.

ماده ۷۹- در موارد مذکور در ماده (۷۷)، اگر معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد، خود طرف معامله محسوب می‌شود.

ماده ۸۰- در مواردی که حق‌العمل‌کار خود نمی‌تواند طرف معامله واقع شود، مکلف است طرف معامله را به آمر معرفی نماید.

ماده ۸۱- حق‌العمل‌کار در مقابل آمر مسؤول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر اینکه مجاز به معامله به اعتبار نباشد یا خود طرف معامله را ضمانت کرده باشد یا در قرارداد آمر و حق‌العمل‌کار مسؤولیت او مقرر شده باشد یا عرف تجارتی محل او را مسؤول بشناسد.

مبحث دوم- اجرت و هزینه‌های حق‌العمل‌کاری

ماده ۸۲- مفاد ماده (۵۷) این قانون درباره میزان حق‌العمل نیز مجری است. حق‌العمل‌کار در صورتی مستحق حق‌العمل است که معامله اجراء شده یا عدم اجرای آن به آمر مستند باشد. اگر معامله به علل دیگری که مستند به حق‌العمل‌کار نیست، اجراء نشود، حق‌العمل‌کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف تجارتی محل اجرای حق‌العمل‌کاری معین می‌کند.

ماده ۸۳- هزینه‌هایی که صرف آن برای انجام حق‌العمل‌کاری ضروری بوده است، حتی در صورت عدم استحقاق حق‌العمل نیز قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۸۴- در موارد مذکور در ماده (۷۷) این قانون، حق‌العمل‌کار مستحق حق‌العمل و مخارج عادی حق‌العمل‌کاری است و باید قیمت را طبق نرخ بازار در روز انجام حق‌العمل‌کاری منظور کند.

ماده ۸۵- در صورت تقلب حق‌العمل‌کار از جمله در موردی که حق‌العمل‌کار به حساب آمر قیمتی بیشتر از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش محسوب کند، وی مستحق حق‌العمل نیست. علاوه بر این، در دو صورت اخیر آمر می‌تواند حق‌العمل‌کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

ماده ۸۶- حق‌العمل‌کار برای وصول مطالبات خود از آمر نسبت به اموال موضوع معامله یا قیمتی که اخذ کرده است، حق حبس دارد؛ با این حال در خصوص اموال قابل تجزیه نمی‌تواند بیش از طلب خود را حبس نماید.

فصل چهارم- نمایندگی تجارتی

ماده ۸۷- نمایندگی تجارتی عبارت است از تعهد به بازاریابی، انجام مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد ویا ارائه خدمات به نام و به حساب دیگری، به نحو مستمر، بدون اینکه نماینده، مستخدم یا أجیر طرف دیگر باشد.

ماده ۸۸- مقررات این فصل مانع اعمال مقررات مربوط به نمایندگی‌هایی که قانون در مورد آنها ترتیب دیگری مقرر کرده است، نمی‌باشد.

shenasname.ir

مبحث اول- حقوق و تکالیف طرفین نمایندگی تجارتی

ماده ۸۹- نماینده تجارتی می‌تواند نمایندگی اشخاصی دیگر را نیز قبول کند، مگر اینکه به موجب قرارداد از قبول نمایندگی دیگری منع شده باشد. در هر حال، چنانچه نماینده تجارتی نمایندگی شخص دیگری را بپذیرد که در همان موضوع نمایندگی با اعطاءکننده نمایندگی رقابت دارد، این موضوع را باید به اطلاع اعطاءکننده نمایندگی برساند.

ماده ۹۰- اعطاءکننده نمایندگی می‌تواند در محدوده جغرافیایی مشخص به اشخاص متعدد نمایندگی تجارتی اعطاء و با خود به عرضه کالا و یا خدمات اقدام کند، مگر اینکه با نماینده تجارتی به نحو دیگری توافق کرده باشد.

ماده ۹۱- نماینده تجارتی و اعطاءکننده نمایندگی باید اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی از جمله پیش‌بینی خود در خصوص حجم معاملات و تغییرات آن و کلیه اسناد و مدارک مربوط به موضوع نمایندگی را مبادله کنند.

ماده ۹۲- نماینده مسؤول تلف یا نقصان کالاهایی است که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در تصرف دارد، مگر اینکه ثابت کند تلف یا نقص، مستند به او یا اشخاص تحت امر وی نبوده است.

ماده ۹۳- نمایندگی تجارتی باید در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسد. در غیر این‌صورت محل اجرای نمایندگی مهر و موم (پلمب) می‌شود.

ماده ۹۴- چنانچه اقامتگاه اعطاءکننده نمایندگی خارج از کشور باشد، نماینده تجارتی نیز مسؤول اجرای قراردادهایی است که به عنوان نماینده با اشخاص ثالث منعقد کرده است.

ماده ۹۵- قرارداد نمایندگی از حیث مدت محدود است، مگر این که بر نامحدود بودن آن تصریح شده باشد.

ماده ۹۶- در قرارداد نمایندگی محدود، مدت نمایندگی باید در قرارداد نمایندگی تعیین شود و الا مدت نمایندگی دو سال فرض می‌شود.

ماده ۹۷- چنانچه اعطاءکننده نمایندگی قرارداد را پیش از موعد فسخ نماید، نماینده مستحق خسارات واردشده خواهد بود، مشروط بر اینکه این فسخ ناشی از تقصیر نماینده نباشد. فسخ قرارداد نمایندگی نامحدود پیش از دو سال از زمان اجرایی شدن قرارداد نیز مشمول همین حکم است.

ماده ۹۸- در صورت عدم ایفای تعهدات از سوی هریک از طرفین نمایندگی تجارتی، از جمله قطع رابطه نمایندگی به وسیله یکی از طرفین بدون علت موجه، منخلف مسؤول جبران زیان‌های وارد شده به طرف مقابل است. چنانچه رابطه نمایندگی قطع شود، زیان‌دیده می‌تواند ظرف مدت یک سال از تاریخ قطع رابطه برای مطالبه خسارات وارد شده اقامه دعوا کند.

ماده ۹۹- قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید به منطقه جغرافیایی مشخص، نوع کالاها و خدماتی که موضوع قرارداد نمایندگی است و گروه اشخاصی که فعالیت نماینده تجارتی به آنها مربوط می‌شود، محدود باشد و الا باطل است. شرط عدم رقابت، حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

مبحث دوم- اجرت و هزینه‌های نماینده تجارتی

ماده ۱۰۰- میزان اجرت نماینده به موجب قرارداد تعیین می‌شود.

shenasname.ir

ماده ۱۰۱- نماینده تجارتی حسب اینکه موضوع نمایندگی انجام بازاریابی و یا مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد یا ارائه خدمات باشد، به ترتیب به محض انعقاد قرارداد به وسیله اعطاءکننده نمایندگی، اجرای قرارداد یا ارائه خدمت به‌وسیله نماینده، مستحق اجرت می‌شود. چنانچه عدم انعقاد یا اجرای قرارداد مستند به اعطاءکننده نمایندگی باشد، نماینده حسب مورد، پس از گذشت زمان متعارفی که قرارداد باید در آن مدت منعقد می‌شد یا پس از گذشت زمانی که قرارداد باید در آن مدت اجراء می‌گردید، مستحق اجرت می‌شود. اگر معامله به علل دیگری منعقد یا اجراء نشود، نماینده تجارتی برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف محل اجرای نمایندگی معین می‌کند، مشروط بر آنکه عدم انعقاد یا اجراء مستند به نماینده نباشد.

ماده ۱۰۲- نماینده انحصاری از بابت کلیه اقدامات اعطاءکننده نمایندگی در حدود موضوع قرارداد و یا اشخاصی که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در حوزه نمایندگی انحصاری اقدام کرده‌اند، مستحق اجرت خواهد بود.

ماده ۱۰۳- اگر اعطاءکننده نمایندگی ظرف مدت متعارف، نماینده را از عدم انعقاد یا عدم اجرای قراردادی که نماینده حسب مورد مذاکرات مقدماتی آن را انجام داده یا آن را منعقد کرده است، مطلع نکند، نماینده مستحق اجرت است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۱۰۴- پس از خاتمه قرارداد نمایندگی، نماینده تجارتی حسب مورد، بابت انعقاد یا اجرای قراردادهایی که در ملت متعارفی پس از خاتمه قرارداد نمایندگی و در نتیجه فعالیت های نماینده در طول دوره نمایندگی منعقد یا اجراء می‌شوند، مستحق اجرت است.

ماده ۱۰۵- چنانچه طبق ماده (۱۰۴) این قانون نماینده تجارتی سابق مستحق اجرت باشد، نماینده جدید در آن مورد حق مطالبه اجرت ندارد، مگر اینکه قرارداد وی با اعطاءکننده نمایندگی استحقاق أجرت را ایجاب کند یا فعالیت او نیز در انعقاد یا اجرای قرارداد مؤثر بوده است که در این صورت بر اساس شرایط و اوضاع و احوال اجرت بین آنان تقسیم می‌شود.

ماده ۱۰۶- اعطاءکننده نمایندگی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ استحقاق اجرت، فهرست اجرت‌های پرداخت نشده را به نماینده تجارتی تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی باشد که اجرت براساس آنها محاسبه شده است. همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوط باید به فهرست مذکور ضمیمه شود.

ماده ۱۰۷- در موردی که قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شده است و دو طرف پس از انقضای مدت آن را ادامه می‌دهند، تعهدات قراردادی آنها باقی است، مگر آنکه یکی از دو طرف با اخطار قبلی سه‌ماهه آن را خاتمه دهد. دو طرف قرارداد نمی‌توانند به مهلتی کمتر از مهلت مذکور توافق کنند و اگر به مدت بیشتر توافق نمایند، مهلت پیش‌بینی شده برای اعطاء کننده نمایندگی نباید کوتاه‌تر از مهلتی باشد که برای نماینده تجارتی پیش‌بینی شده است. چنانچه قرارداد به علت تقصیر یکی از دو طرف یا حادثه خارجی غیر قابل پیش‌بینی غیر قابل رفع منحل شود، مقررات این ماده لازم‌الرعایه نیست. اگر قرارداد برای مدت نامحدود منعقد شده باشد، مقررات این ماده مجری است.

ماده ۱۰۸- هر کس بر خلاف واقع ادعای نمایندگی از طرف دیگری نماید، علاوه بر جبران خسارات واردشده، به جزای نقدی درجه سه محکوم می‌شود.

shenasname.ir

فصل پنجم- حمل و نقل

ماده ۱۰۹- قرارداد حمل و نقل قراردادی است که به موجب آن متصدی حمل و نقل در برابر دیگری تعهد می‌کند که اشخاص و یا کالاهایی را از محلی به محل دیگر حمل کند. شخصی که به نام یا به حساب وی با متصدی حمل و نقل قرارداد بسته شده یا کالا به نام یا به حساب وی به متصدی حمل و نقل تحویل داده است، فرستنده و شخصی که مجاز به دریافت کالا در مقصد می‌باشد، گیرنده نامیده می‌شود.

تبصره- کالا شامل هرگونه مال منقول می‌گردد. در موردی که کالا در داخل بارگنج (کانتینر)، جعبه، قفس با بارکف (پالت) یا هر وسیله مشابه دیگری قرار داده شده یا به گونه‌ای بسته بندی شده است، کالا شامل بارگنج (کانتینر)، جعبه، قفس، پارکف (پالت) و وسایل مشابه دیگر نیز می‌گردد، به شرط آنکه به وسیله فرستنده تهیه شده باشد.

ماده ۱۱۰- حمل و نقل به وسیله پست و همچنین قراردادهای اجاره وسایل نقلیه زمینی، هوایی، ریلی و یا دریایی تابع مقررات این فصل نیست. قراردادهای حمل و نقل، هرچند به صورت قرارداد اجاره تنظیم شود، مشمول این فصل است.

ماده ۱۱۱- قراردادهای مشمول معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته است، مشمول مقررات این فصل نیست. در موارد سکوت این قانون، بحسب مورد مقررات معاهدات بین المللی که دولت ایران به آنها پیوسته است تا حدی که بر حمل و نقل داخلی قابل اعمال باشد مجری است.

مبحث اول- حقوق و تکالیف متصدی حمل و نقل

ماده ۱۱۲- متصدی حمل و نقل مکلف است کالا را به طور سالم به مقصد برساند. اگر کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسؤول قیمت کالا در روز پرداخت و خسارات آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم شدن کالا به جنس آن و یا تقصیر فرستنده و یا گیرنده منسوب است و یا ناشی از دستورات و یا اطلاعاتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا به حوادث خارجی غیر قابل پیش بینی غیرقابل رفع مستند است. طرفین می‌توانند در قرارداد برای میزان خسارت، مبلغی بیشتر از قیمت کل کالا را معین کند اما شرط تحدید خسارت به کمتر از قیمت کالا باطل است.

ماده ۱۱۳- اگر بسته بندی کالا عیب ظاهری داشته باشد و متصدی حمل و نقل تیز کالا را بدون قید عدم مسؤولیت قبول کند، مسؤول خسارت است.

ماده ۱۱۴- متصدی حمل و نقل مطابق این قانون مسؤول خساراتی است که در مدت حمل ونقل واقع می‌شود، اعم از اینکه خود مباشر حمل و نقل باشد یا متصدی حمل و نقل دیگری را مأمور کرده باشد. در صورت اخیر متصدی حمل ونقل حق رجوع به حمل کننده ویا متصدی حمل ونقل فرعی را دارد.

تبصره- متصدی حمل و نقل فرعی متصدی حمل و نقلی است که اجرای قرارداد حمل و نقل یا اجرای بخشی از آن توسط متصدی حمل و نقل اصلی به او واگذار شده است.

ماده ۱۱۵- در مورد خسارات ناشی از تأخیر تسلیم، عیب و یا نقص کالا، متصدی حمل و نقل در حدود ماده (۱۱۲) این قانون مسؤول است. میزان خسارات مذکور نباید از خسارات ناشی از تلف تمام کالا تجاوز کند، مگر اینکه در قرارداد، خلاف این ترتیب مقرر شده باشد.

تبصره ۱- تأخیر در تسلیم هنگامی رخ می‌دهد که کالا در مدت یا تاریخ مورد توافق و در صورت فقدان چنین توافقی، در مدت متعارفی که با توجه به اوضاع

shenasname.ir

و احوال از متصدی مواظب انتظار می‌رود یا قبل از آن، به گیرنده تسلیم نشده باشد.

تبصره ۲- اگر از موعد تحویل کالا مطابق تبصره (۱) این ماده بیش از شصت روز سپری شده و کالا به گیرنده تحویل نشده باشد، مدعی خسارت می‌تواند آن را تلف یا گمشده فرض کند.

ماده ۱۱۶- چنانچه کالا بدون هیچ قیدی توسط گیرنده قبول و کرایه آن تأدیه شود، هیچ دعوایی علیه متصدی حمل و نقل جز در مورد تدلیس ویا تقصیر سنگین پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی حمل و نقل مسؤول خسارات غیر ظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده، آن خسارت را به فوریت پس از مشاهده به متصدی حمل ونقل اطلاع دهد. این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز بعد از تحویل گرفتن کالا ارسال شود.

ماده ۱۱۷- متصدی حمل ونقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را مطلع کند.

ماده ۱۱۸- اگر گیرنده کالا را قبول نکند یا در دسترس نباشد و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل ونقل بابت حمل کالا مطابق قرارداد تأدیه نشود، متصدی حمل ونقل باید مراتب را به فرستنده اطلاع دهد و کالا را به طور موقت نزد خود به عنوان امانت نگهدارد یا نزد ثالثی به امانت گذارد. در این موارد، هزینه‌های ناشی از این امر بر عهده فرستنده است و متصدی حمل و نقل مسؤول خسارات ناشی از نقص و عیب نیست، مگر آنکه تقصیر او ثابت شود.

ماده ۱۱۹- گیرنده‌ای که بدواً از گرفتن کالا امتناع کرده است می‌تواند از متصدی حمل و نقل بخواهد که کالا را به وی تحویل دهد، مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده ۱۲۰- اگر فرستنده و یا گیرنده، در فروض موضوع ماده (۱۱۸) این قانون، در مدت مناسبی تکلیف کالا را معین نکنند یا هزینه‌هایی که برای کالا شده است از قیمت آن بیشتر شود، متصدی حمل و نقل می‌تواند و در صورتی که منافع صاحب کالا اقتضاء می‌کند، مکلف است آن را از طریق موسسه حراجی بفروشد.

ماده ۱۲۱- اگر کالا در معرض ضایع شدن سریع باشد، متصدی حمل و نقل باید به فوریت کالا را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده ۱۲۲- مسؤولیت متصدی حمل و نقل کالا از لحظه ای شروع می‌شود که کالا در مبدأ حمل در اختیار او، نماینده با قائم مقام وی قرار می‌گیرد و تا زمانی که در مقصد در اختیار گیرنده، نماینده یا قائم مقام وی قرار داده شود، ادامه دارد.

ماده ۱۲۳- مهلت اقامه دعاوی خسارت علیه متصدی حمل ونقل، جز در موارد تدلیس و تقصیر سنگین، یکسال است. مبدأ این مدت در مورد تلف یا گم شدن کالا با تأخیر در تسلیم، روزی است که کالا باید در آن روز به گیرنده تسلیم می‌گردید و در مورد سایر خسارات وارد شده به کالا، روزی است که مال به گیرنده تسلیم شده است.

ماده ۱۲۴- متصدی حمل و نقل مسؤول جبران کلیه خسارات جانی مسافران است، مگر اینکه ثابت کند خسارت به خود مسافر ویا حوادث خارجی غیرقابل پیش بینی غیرقابل رفع مستند است. در مورد خسارات وارد شده بر کالاهای مسافران رعایت مواد (۱۱۲) تا (۱۱۹) و (۱۲۳) این قانون الزامی است.

shenasname.ir

مبحث دوم- حقوق و تکالیف فرستند و گیرنده کالا

ماده ۱۲۵- فرستنده کالا باید موارد زیر را به متصدی حمل ونقل اطلاع دهد:

۱- هویت و نشانی دقیق گیرنده

۲- نشانی دقیق محل تحویل کالا

۳- تعداد بسته‌ها و روش بسته‌بندی

۴- وزن و محتوای بسته‌ها

۵- زمان مقرر برای تسلیم کالا به گیرنده

۶- مسیر حمل کالا

۷- فهرست اشیای گرانبها و قیمت آنها

۸- چنانچه کالا در طول مدت حمل نیاز به مراقبت مخصوص داشته باشد، مانند کالاهای خطرناک، آتش‌زا، تبخیر شونده، فاسدشدنی، خورنده و حیوانات، خطرات احتمالی ناشی از حمل و نیز دستورهای لازم برای نگهداری و حمل آنها

۹- اسناد لازم برای حمل کالا در صورت اقتضاء

ماده ۱۲۶- خسارات ناشی از عدم اطلاع موارد مذکور در ماده (۱۲۵) این قانون یا اطلاع‌رسانی نادرست آنها با رعایت موارد زیر بر عهده فرستنده است:

۱- در خصوص بند (۸) ماده (۱۲۵) این قانون اگر متصدی از خطرات حمل کالا مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به عدم اطلاع‌رسانی فرستنده استناد نماید.

۲- اگر فرستنده مسیر معینی را برای حمل تعیین نکرده باشد متصدی حمل و نقل باید بهترین مسیر را انتخاب کند و در غیر این صورت و نیز در صورتی که خلاف مسیر معین شده را بپیماید مسؤول خسارات وارده است مگر آنکه اثبات نماید منافع فرستنده تغییر مسیر را ایجاب می‌نموده و در آن زمان امکان أخذ دستور جدید برایش مقدور نبوده است.

۳- چنانچه استنادی برای حمل کالا لازم باشد، فرستنده مکلف است این اسناد را در اختیار متصدی قرار دهد. مسؤولیت نقص اسناد مذکور یا عدم مطابقت آن با فرستنده است. با این حال اگر متصدی از نقص یا عدم مطابقت اسناد مذکور مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به کامل نبودن یا اطلاع ندادن فرستنده استناد نماید.

ماده ۱۲۷- فرستنده باید کالا را به طرز مناسب بسته‌بندی کند و عهده‌دار خسارت ناشی از عیوب بسته‌بندی است، ولی خسارات ناشی از بارگیری، بارچینی و تخلیه نادرست بر عهده متصدی حمل و نقل است.

ماده ۱۲۸- تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می‌تواند آن را با پرداخت مخارج و خساراتی که متصدی حمل ونقل متحمل شده است، مسترد کند. همچنین تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می‌تواند توقف حمل یا تغییر مقصد یا تغییر گیرنده کالا را دستور دهد، به شرطی که نسخه اول بارنامه که دربردارنده دستورهای جدید است به متصدی ارائه شده و هزینه دستورهای جدید نیز پرداخت با تضمین گردد. در این صورت متصدی مکلف به رعایت دستورهای صادر شده است، مشروط بر اینکه امکان اجرای دستورهای مذکور وجود داشته باشد و لطمه‌ای به حقوق فرستندگان و گیرندگان سایر کالاهایی که با همان کالاهای دستوردهنده حمل می‌شوند نزند و موجب تقسیم کالاها نشود.

ماده ۱۲۹- در موارد زیر فرستنده نمی‌تواند از حق مذکور در ماده (۱۲۸) این قانون استفاده کند:

۱- بارنامه به گیرنده تسلیم شده باشد.

۲- متصدی حمل و نقل به فرستنده کالا رسیدی داده باشد و فرستنده نتواند آن را مسترد کند.

shenasname.ir

۳- در صورتی که متصدی حمل و نقل به گیرنده اعلام کرده باشد که کالا به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

۴- گیرنده، پس از رسیدن کالا به مقصد، تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.

۵- در بارنامه قید شده باشد که حق در اختیار گرفتن کالا به گیرنده منتقل شده است.

ماده ۱۳۰- متصدی حمل و نقل در موارد مذکور در ماده (۱۲۹) این قانون باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. با این حال در بند (۲) ماده مذکور، مادام که کالا به مقصد نرسیده است، متصدی حمل ونقل نباید از دستور گیرنده تبعیت کند، مگر اینکه رسید مذکور به گیرنده تسلیم شده باشد و گیرنده آن را به متصدی حمل ارائه کند. همچنین چنانچه گیرنده از گرفتن کالا امتناع ورزد، فرستنده بدون اینکه مجبور به ارائه نسخه اول بارنامه باشد، حق موضوع ماده (۱۲۸) این قانون را خواهد داشت. در این صورت گیرنده ای که از گرفتن کالا امتناع کرده است می‌تواند از متصدی بخواهد که کالا را تحویل وی دهد مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده ۱۳۱- اگر گیرنده میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت حمل کالا مطالبه می‌کند قبول نکند، حق ندارد تسلیم کالا را تقاضا کند، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا ختم اختلاف در صندوق دادگستری تودیع کند. چنانچه مبلغ مطالبه شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف، مقررات و یا عرف تجارتی مبلغ لازم‌التودیع را مشخص می‌کند.

ماده ۱۳۲- در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلافی باشد، دادگاه صالح می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین دستور دهد که کالا تا ختم دادرسی نزد شخص ثالثی به امانت گذاشته یا در صورت ضرورت فروخته شود. تودیع یا فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از وضع کالا و یا ضرورت فروش عندالاقتضاء انجام گیرد. با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت کالا ادعا می‌شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می‌توان از فروش کالا جلوگیری کرد. چنانچه مبلغ مطالبه شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف مبلغی را که تودیع آن لازم است، مشخص می‌کند.

مبحث سوم- بارنامه

ماده ۱۳۳- بارنامه سندی است که بنا بر تقاضای فرستنده توسط متصدی حمل و نقل با نماینده او صادر می‌شود و بر مالکیت کالا برای دارنده آن، وجود قرارداد حمل و نقل، دریافت کالا توسط متصدی و تعهد وی مبنی بر تسلیم کالا در ازای دریافت آن، دلالت می‌کنند.

ماده ۱۳۴- بارنامه، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی حمل و نقل، حداقل باید حاوی اطلاعات ذیل باشد:

۱- عنوان «بارنامه»؛

۲- مکان و تاریخ صدور سند؛

۳- هویت فرستنده؛

۴- هویت متصدی حمل و نقل؛

۵- هویت گیرنده کالا، اگر بارنامه به نفع حامل نباشد؛

۶- مبدأ و مقصد کالا؛

۷- اطلاعات ویژه ای که کالای موضوع قرارداد را مشخص می‌کند مانند: وزن، حجم، کیفیت بسته‌بندی، تعداد بسته ها و هر اطلاع دیگری که برای تعیین ماهیت کالا و قیمت آن لازم است.

shenasname.ir

۸- تاریخ تحویل کالا یا مدتی که کالا باید در آن مدت تسلیم شود و تاریخ بارگیری؛
۹- اجرت حمل ونقل و هزینه های دیگر با بیان این که بر عهده فرستنده است یا گیرنده.
۱۰- شرایطی که در قرارداد حمل و نقل بیان شده است از قبیل شرایط ویژه بارگیری با تخلیه؛ نوع وسیله انتخابی، مسیر تعیین شده، حدود مسؤولیتها و اعلام صریح خطرناک بودن کالا در موارد مقتضی؛
۱۱- وضعیت ظاهری کالا.

تبصره ۱- بارنامه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از آن که به امضاء یا مهر و امضای صادر کننده رسیده است، به فرستنده تسلیم میشود. در صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.

تبصره ۲- عدم ذکر مفاد بند (۹) این ماده در بارنامه، اماره بر این است که اجرت و سایر هزینه‌ها بر عهده فرستنده است و متصدی حمل و نقل نمی‌تواند از شخص ثالث ناآگاهی که بارنامه به او انتقال یافته است، اجرت و سایر هزینه‌ها را مطالبه نماید.

تبصره ۳- وزارت راه و شهرسازی مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور بارنامه الکترونیک به وسیله متصدیان حمل و نقل ایجاد کند، به نحوی که امکان استعلام اصالت بارنامه برای دریافت کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده ۱۳۵- بارنامه ممکن است به صورت «قابل انتقال» یا «غیرقابل انتقال» صادر شود. بارنامه قابل انتقال محسوب می‌شود، مگر آنکه خلاف آن در بارنامه تصریح شده باشد.

ماده ۱۳۶- بارنامه «قابل انتقال» بنابر تقاضای فرستنده ممکن است به حواله کرد شخص معین بابه نفع حامل صادر شود. در صورتی که بارنامه به حواله‌کرد شخص معین صادر شده باشد با امضای دارنده در ظهر بارنامه قابل انتقال است. بارنامه‌ای که به نفع حامل صادر شده باشد با قبض و اقباض قابل انتقال است.

ماده ۱۳۷- در بارنامه «غیر قابل انتقال»ذکر نام گیرنده الزامی است و نقل و انتقال آن مشمول ماده (۱۳۶) این قانون نیست.

ماده ۱۳۸- در صورت انتقال بارنامه، متصدی حمل و نقل نمی‌تواند در برابر شخص ثالث ناگاه از جمله گیرنده به عدم دریافت کالا و در خصوص بارنامه «بارگیری شده» به عدم بارگیری آن وفق بارنامه استناد نماید.

ماده ۱۳۹- فرستنده در برابر متصدی حمل و نقل مسؤول اظهاراتی است که برای درج در بارنامه در مورد مشخصات کالا مانند جنس، وزن و تعداد آن ارائه کرده است. در هر صورت متصدی حمل و نقل نمی‌تواند در برابر شخص ثالث ناآگاه به خلاف واقع بودن اظهارات فرستنده استناد نماید.

ماده ۱۴۰- در صورتی که متصدی حمل و نقل با نماینده او ظن قوی و موجه در خصوص عدم صحت اظهارات مذکور در بند (۷) ماده (۱۳۴) این قانون از سوی فرستنده، داشته باشد و به دلیل مواردی از قبیل بارگیری شدن یا نحوه بسته بندی کالا، امکان شناسایی با تعیین وزن و سایر خصوصیات آن وجود نداشته باشد، متصدی حمل و نقل یا نماینده او باید مواردی را که ظن به عدم صحت آن دارد به همراه دلایل خود در بارنامه قید نماید. در این صورت متصدی حمل و نقل در برابر فرستنده و شخص ثالث مسؤول خسارات ادعایی در خصوص موارد قید شده نیست، صدور بارنامه بدون هیچ قیدی، دلالت بر این دارد که کالا به نحو مذکور در بارنامه تحویل گرفته شده است.

shenasname.ir

ماده ۱۴۱- دریافت بارنامه از سوی فرستنده و عدم اعتراض به مفاد آن به معنای پذیرش موارد مندرج در آن است. در صورت پذیرش بارنامه از سوی فرستنده اگر شرایط بارنامه با شرایط قرارداد حمل و نقل مغایر باشد، شروط مندرج در بارنامه ملاک عمل است.

ماده ۱۴۲- در صورتی که بارنامه صادر نشده باشد، فرستنده می‌تواند از متصدی حمل ونقل بخواهد رسیدی امضاء شده مبنی بر دریافت کالای موضوع قرارداد حمل ونقل را به وی تحویل دهد. رسید مذکور دلالت بر وجود قرارداد حمل و نقل بین طرفین داشته و به هنگام صدور بارنامه باید به متصدی حمل یا نماینده او مسترد گردد.

ماده ۱۴۳- تاریخ صدور بارنامه به عنوان تاریخ حمل تلقی می‌شود، مگر اینکه بارنامه شامل یادداشت بارگیری با درج تاریخ حمل باشد که در این صورت تاریخ درج شده در یادداشت بارگیری به عنوان تاریخ حمل تلقی می‌شود. در صورتی که صادر کننده بارنامه هنگام تنظیم بارنامه تاریخ آن را مقدم بر تاریخ صدور بگذارد در مقابل تحویل گیرنده کالا مسؤول کلیه خسارات وارده به علت این تغییر تاریخ می‌باشد.

فصل ششم- قرارداد امانت‌گذاری در انبار عمومی

ماده ۱۴۴- امانت‌گذاری در انبار عمومی قراردادی است که به موجب آن انباردار تعهد می‌کند کالایی را در قبال صدور قبض انبار و قبض وثیقه تحویل گیرد و به حساب دارند و یا دارندگان اسناد مذکور نگهداری کند.

ماده ۱۴۵- قبض انبار و قبض وثیقه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از هریک از آنها که به امضاء با مهر و امضای صادر کننده رسیده است، به امانت‌گذار تسلیم می‌شود. قبض انبار و قبض وثیقه باید دارای شماره انحصاری باشد و نحوه صدور آن به موجب آیین نامه اجرائی موضوع ماده (۱۷۷) این قانون تعیین می‌شود.

ماده ۱۴۶- قبض انبار، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی انبار عمومی، حداقل باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

۱- عنوان «قبض انبارها»؛

۲- هویت کامل امانت‌گذار؛

۳- هویت شخصی که قبض به نام و یا به حواله کرد او صادر می‌شود؛

۴- نشانی کامل امانت گذار؛

۵- جنس، وصف، مقدار یا تعداد و ارزش کالا؛

۶- تاریخ تودیع کالا؛

۷- نام و نشانی انبار عمومی و هویت متصدی آن؛

۸- هویت و اقامتگاه شرکت بیمه‌گر انبار عمومی؛

۹- میزان پوشش بیمه‌ای کالای تودیع شده؛

۱۰- تأدیه یا عدم تأدیه حقوق دولتی؛

۱۱- اجرت انباردار، شیوه پرداخت و مسؤول پرداخت آن.

ماده ۱۴۷- قبض وثیقه علاوه بر عنوان «قبض وثیقه» مشتمل بر موارد مذکور در بندهای (۲) تا (۱۰) ماده (۱۴۶) است و باید به صورت الکترونیک به قبض انبار ضمیمه شود.

ماده ۱۴۸- در صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.

ماده ۱۴۹- متصدی انبار عمومی مسؤول حفظ و نگهداری کالایی است که به وی سپرده شده است. اگر کالای تودیع شده تلف، گم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی مسؤول جبران خسارت به

shenasname.ir

میزان ارزش اظهار شده در قبض انبار است، مگر این که ثابت کند ورود خسارت از حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع ناشی شده و با به عیوب بسته‌بندی خود کالا مربوط بوده است.

ماده ۱۵۰- چنانچه در کالای تودیع شده تغییراتی حاصل شود که نگهداری آن موجب افزایش هزینه نگهداری باشد، متصدی انبار مکلف است این امر را به مالک کالا اطلاع دهد.

ماده ۱۵۱- متصدی انبار مکلف است هرگونه ادعای اشخاص ثالث در خصوص مالی به ودیعه گذاشته شده با هرگونه توقیف قضائی آنها را به اطلاع امانت‌گذار برساند.

ماده ۱۵۲- اگر بسته بندی عیب ظاهر داشته و متصدی انبار عمومی، کالا را بدون قید عدم مسؤولیت در قبض انبار و قبضی وثیقه قبول کرده باشد، انبار عمومی مسؤول خسارات است.

ماده ۱۵۳- متصدی انبار عمومی‌باید کالای تودیع شده را در قبال مفقود شدن، آتش سوزی و سرقت بیمه کند. در صورتی که کالاهای تودیع شده قبلا بیمه شده باشد، متصدی انبار تکلیفی بر بیمه کردن کالاها ندارد مگر بعد از سپری شدن زمان بیمه مذکور یا در صورتی که این بیمه برای پوشش دادن ضررهای احتمالی ناکافی باشد.

ماده ۱۵۴- در صورتی که کالای تودیع شده تلف، کم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی، دارنده قبض انبار و قبض وثیقه نسبت به خسارات تأدیه شده از جمله خسارات تأدیه شده به وسیله بیمه همان حقوقی را خواهند داشت که نسبت به خود کالاها داشتند،

ماده ۱۵۵- اگر کالای تودیع شده در معرض تضییع سریع باشد و استیذان از دارنده قبض انبار مقدور نباشد، ماده (۱۲۱) این قانون لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۵۶- متصدی انبار عمومی برای وصول مطالبات خود از صاحب کالا بابت اجرت نگهداری کالا، نسبت به کالاهای تودیع شده در انبار و یا حاصل فروش کالا در موارد تعیین شده در این فصل، حق حبس دارد. با این حال در خصوص اموال قابل تجزیه نمی‌تواند بیش از طلب خود را حبس کند.

ماده ۱۵۷- تخلیه و بارگیری کالا در انبارهای عمومی‌بر عهده متصدی انبار است، مگر اینکه بر خلاف آن تصریح شده باشد. در هر صورت متصدی انبار مسؤول خساراتی است که از چیدن نادرست کالاها در انبار وارد می‌شود.

ماده ۱۵۸- متصدی انبار عمومی‌نمی‌تواند تحت هیچ عنوان، خواه به حساب خود یا به حساب دیگری، په فعالیت تجارتی بپردازد که موضوع آن کالاهایی از نوع همان کالایی باشد که وی مجاز به صدور قبض انبار و وثیقه برای آنها است. در غیر این صورت به محرومیت از صدور قبض انبار و قبض وثیقه به مدت شش ماه تا دو سال و جزای نقدی درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. شرکا و یا سهام‌داران شرکت متصدی انبار عمومی نیز که بیش از ده درصد (۱۰) سرمایه ثبت شده شرکت را دارند از انجام فعالیت تجارتی در همان موضوع ممنوع می‌باشند. در غیر این صورت به محرومیت از ثبت‌نام در دفتر ثبت تجارتی و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود.

ماده ۱۵۹- متصدیان انبارهای عمومی‌مکلفند علاوه بر دفاتری که تنظیم و نگهداری آنها به موجب قوانین و مقررات ضروری است، دفتری الکترونیک را به ثبت کلیه کالاهایی که برای نگهداری در انبار عمومی

shenasname.ir

تحویل می‌گیرند، اختصاص دهند. شماره قبض انبار و کلیه مندرجات آن باید به ترتیب تاریخ در این دفتر ثبت گردد. متصدی انبار عمومی‌باید امکان استعلام الکترونیک اصالت قبض انبار و قبض وثیقه ای را که صادر کرده است، برای متقاضی دریافت آن مطابق آیین نامه اجرائی موضوع ماده (۱۷۷) این قانون فراهم نماید.

ماده ۱۶۰- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور قبض انبار و قبض وثیقه الکترونیک به وسیله متصدیان انبارهای عمومی‌ایجاد کند، به نحوی که امکان استعلام اصالت قبرض مذکور برای دریافت کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده ۱۶۱- امانت‌گذار باید جنس، نوع، مقدار یا تعداد، ارزش و سایر خصوصیات مؤثر در تعیین ماهیت کالا و نحوه بسته بندی کالای تودیع شده را به اطلاع متصدی انبار عمومی برساند.

ماده ۱۶۲- امانت‌گذار، دارنده برگ وثیقه ویا قائم‌مقام او حق دارد در هر زمان از ساعت کاری انبار، از وضعیت کالایی که در انبار به امانت گذاشته اطلاع حاصل کرده و نمونه‌ای از آن را بررسی نماید؛ مگر آنکه در این خصوص بین طرفین توافق دیگری وجود داشته باشد.

ماده ۱۶۳- هرگاه کالای امانت گذاشته شده‌ای که قبض انبار و قبض وثیقه آن دریافت شده از اشیاء مثلی باشد، امانت‌گذار می‌تواند آن را با کالایی از همان نوع و با همان وصف که در قبض رسید و قبض وثیقه به آنها تصریح شده عوض کند. در این صورت همه حقوق دارنده قبض انبار و قبض وثیقه و امتیازات آنها به کالای جدید تعلق می‌گیرد.

ماده ۱۶۴- امانت‌گذار می‌تواند کالای خود را به مجموعه‌های متعدد تجزیه و برای هریک از مجموعه‌های مذکور قبض انبار و قبض وثیقه جداگانه درخواست کند. همچنین امانت‌گذار یا قائم‌مقام او می‌تواند با ارائه قبض انبار و قبض وثیقه و در صورت نبود قبض وثیقه با تودیع طلب و متفرعات احتمالی دارنده قبض وثیقه نزد صندوق انبار، قبض انبار و قبض وثیقه جدید در خصوص تمام یا بخشی از کالاها دریافت نماید.

ماده ۱۶۵- اگر دارنده قبض انبار کالا را بدون هیچ قیدی قبول و مخارج آن را تادیه کند هیچ دعوایی علیه متصدی انبار عمومی جز در مورد تدلیس یا تقصیر سنگین پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی انبار عمومی مسوول خسارت غیر ظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده کالا پس از تسلیم کالا مراتب را فوراً به صورت کتبی به اطلاع متصدیان انبار عمومی رسانده باشد. در هر حال این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز پس از تحویل گرفتن کالا ارسال شود. دعاوی خسارت علیه متصدی انبار عمومی حداکثر باید ظرف مدت یک سال اقامه شود. در غیر این صورت مفاد این ماده در خصوص مسؤولیت متصدی انبار عمومی مجری نمی باشد. موارد تدلیس و تقصیر سنگین مشمول مهلت مذکور نیست.

ماده ۱۶۶- قبض انبار حسب درخواست امانت‌گذار به نام ویا به حواله کرد او صادر می‌شود. شخصی که قبض انبار به نام ویا حواله کرد او صادر شده است می‌تواند کالای تودیع شده را با ظهرنویسی قبض انبار به دیگری واگذار کند مگر آنکه قبض انبار به صراحت به صورت غیرقابل انتقال صادر شده باشد. ظهرنویسی قبض انبار با درج تاریخ و هویت متنقل‌الیه و امضای ظهرنویس و درج مراتب مربوط به انتقال یا عدم انتقال قبض وثیقه به همراه قبض انبار به عمل می‌آید. شخصی که قبض انبار به نفع وی ظهرنویسی

shenasname.ir

شده است می‌تواند درخواست نماید که مفاد ظهرنویسی در دفتر انبار ثبت گردد.

تبصره- انتقال مالکیت کالا در هیچ مورد به حقوق کسی که قبض وثیقه به نفع او ظهرنویسی شده است لطمه ای نمی‌زند.

ماده ۱۶۷- صرفاً دارنده قبض وثیقه می‌تواند کالای تودیع‌شده را از طریق ظهرنویسی آن به وثیقه دهد. ظهرنویسی قبض وثیقه با درج تاریخ، هویت منتقلٌ‌الیه و امضای ظهرنویس به عمل می‌آید. ظهرنویس می‌تواند مبلغی را که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته می‌شود، در قبض وثیقه درج نماید، در غیر این صورت، چنین فرض می‌شود که مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است با ارزش اظهارشده آن در قبض انبار و وثیقه برابر است.

ماده ۱۶۸- شخصی که قبض وثیقه برای اولین بار به نفع وی ظهرنویسی شده است باید با اظهار قبض مذکور درج مراتب در انبار عمومی و تأیید آن بر روی قبض را از متصدی انبار عمومی بخواهد. ایادی بعدی که قبض وثیقه به نفع آنان ظهرنویسی شده باشد می‌توانند درخواست نمایند که مفاد ظهرنویسی به همراه اقامتگاه ظهرنویس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده ۱۶۹- کسی که قبض انبار یا قبض وثیقه به نفع وی ظهرنویسی شده باشد می‌تواند درخواست نماید که مفاد ظهرنویسی به همراه اقامتگاه ظهرنویس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده ۱۷۰- دارنده قبض انباری که قبض وثیقه همان قبض در تصرف وی نیست می‌تواند تمام یا بخشی از کالا را مسترد کند، مشروط بر آنکه مبلغی را که قبض وثیقه بابت آن به وثیقه گذارده شده و نزد انباردار به ثبت رسیده است نزد صندوق انبار تودیع کند.

ماده ۱۷۱- هرگاه قبض انبار بدون قبض وثیقه به متصدی انبار عمومی ارائه شود و وثیقه بودن کالا در دفاتر انبار عمومی یا قبض انبار ثبت نشده باشد، متصدی انبار عمومی باید تقاضای استرداد کالا را در دفاتر انبار ثبت کرده و به هزینه متقاضی در روزنامه کثیرالانتشار و سامانه الکترونیک انبار عمومی منتشر نماید. اگر قبض وثیقه تا سی روز پس از انتشار به تصدی انبار عمومی ارائه نشود، وی باید کالا را به دارنده قبض انبار مسترد کند. در این صورت متصدی انبار عمومی و دارنده ناآگاه قبض انبار مسئولیتی در مقابل ارائه کننده قبض وثیقه ندارند.

ماده ۱۷۲- چنانچه طلبی که کالای تودیع شده در قبال آن به وثیقه گذاشته شده است در موعد مقرر پرداخت نشود، دارنده قبض وثیقه می‌تواند از طریق مؤسسه حراجی کالای تودیع شده را بفروشد، مشروط بر آنکه مراتب نخستین ظهرنویسی قبض وثیقه طبق صدر ماده (۱۶۸) این قانون ثبت شده باشد. دارنده قبض وثیقه برای وصول طلب خود از محل حاصل فروش پس از کسر حقوق دولتی احتمالی و هزینه‌های انبارداری و فروش بر سایر بستانکاران مقدم است.

ماده ۱۷۳- هرگاه قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج از مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است کم‌تر شود، وی می‌تواند برای وصول مابه‌التفاوت به هریک از ظهرنویسان قبض وثیقه رجوع کند، مشروط بر آنکه حداکثر ظرف مدت سی روز از زمان سررسید طلب فروش کالای تودیع شده را تقاضا کرده و از فروش آن بیش از پانزده روز سپری نشده باشد. در صورت عدم رعایت مواعد مذکور، حق رجوع به ظهرنویسان را ندارد و فقط می‌تواند به ید مقابل خود رجوع نماید.

shenasname.ir

ماده ۱۷۴- اگر قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج بیش از مبلغی شود که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است، مازاد توسط مؤسسه حراجی به دارنده قبض انبار تسلیم می‌شود و در صورتی که وی به هنگام فروش کالا حاضر نباشد، مبلغ مذکور در صندوق انبار تودیع خواهد شد.

ماده ۱۷۵- اگر امانت‌گذار یا قائم‌مقامان وی پس از انقضای مدت امانت‌گذاری به استرداد کالای تودیع‌شده اقدام نکنند، متصدی انبار عمومی می‌تواند آن را از طریق مؤسسه حراجی به فروش رساند. در صورتی که قرارداد امانت‌گذاری فاقد مدت باشد، پس از گذشت یک سال از تسلیم کالای تودیع‌شده ترتیب مذکور قابل اجراء است، مگر این که دارنده قبض انبار قبل از انقضای یک‌سال، استرداد کالا یا تجدید قرارداد امانت‌گذاری را از متصدی انبار عمومی بخواهد یا در قرارداد به نحو دیگری مقرر شده باشد. در مورد فروش کالای سریع‌الفساد ترتیب مقرر در ماده (۱۲۱) این قانون مجری می‌باشد.

ماده ۱۷۶- شخصی که قبض انبار یا قبض وثیقه او تلف، گم یا غیرقابل استفاده شود، می‌تواند الزام متصدی انبار عمومی به صدور نسخه المثنای قبض انبار و یا قبض وثیقه را به موجب دادخواست از دادگاه محل انبار عمومی تقاضا نماید. دادگاه متقاضی را مکلف خواهد کرد تا موضوع را در دو نوبت در روزنامه کثیرالانتشار به فاصله ده روز منتشر نماید. اگر تا ظرف ده روز از انتشار آگهی دوم اعتراضی صورت نگیرد، دادگاه پس از احراز صحت ادعای متقاضی و دریافت ضامن معتبر یا وثیقه، حکم به صدور نسخه المثنی خواهد نمود. اگر بعد از گذشت یک‌سال از سررسید امانت و چنانچه امانت‌گذاری بدون مدت باشد دو سال از تاریخ امانت‌گذاری، کسی برای بازپس‌گیری کالا اقدام نکرد، ذمه ضامن بری یا وثیقه آزاد می‌شود.

ماده ۱۷۷- تأسیس و بهره‌برداری از انبارهای عمومی موضوع این فصل به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نظارت بر انبارهای عمومی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت شش‌ماه به وسیله وزارت مذکور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۷۸- کلیه انبارهایی که به عنوان انبار عمومی فعالیت می‌کنند مکلفند ظرف مدت شش‌ماه پس از ابلاغ آیین‌نامه مذکور در ماده قبل به اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام کنند یا وضع خود را با مقررات آن تطبیق دهند. پس از انقضای مهلت مذکور تأسیس و یا بهره‌برداری از انبارهای عمومی برخلاف مقررات این قانون ممنوع و متخلف به جزای نقدی معادل نصف قیمت کالاهایی که در انبار نگهداری می‌کند محکوم می‌شود. دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم محکومیت، دستور تعطیلی انبار و تودیع کالاهای موجود در آن در یکی از انبارهای دارای مجوز فعالیت یا استرداد آنها به صاحبان کالا را صادر کند به علاوه رأی دادگاه که متضمن تعیین انباردار جدید است باید در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

فصل هفتم- وثیقه تجارتی

ماده ۱۷۹- از بابت هر دین یا تعهد می‌توان وثیقه گرفت.

ماده ۱۸۰- شخص ثالث می‌تواند مال خویش را وثیقه دین یا تعهد دیگری قرار دهد.

ماده ۱۸۱- وثیقه از دین یا تعهدی صحیح است که موجود بوده یا سبب آن ایجاد شده باشد.

shenasname.ir

ماده ۱۸۲- وثیقه‌گذار باید به محض انعقاد عقد مال مورد وثیقه را به وثیقه‌پذیر تسلیم کند، مگر آن که به نحوه دیگری توافق شده باشد. در مورد اموالی که دارای سند رسمی است، وثیقه‌پذیر صرفاً می‌تواند الزام وثیقه‌گذار به تنظیم سند رسمی وثیقه را از دادگاه بخواهد، مگر این تسلیم مادی آن مال نیز شرط شده باشد.

ماده ۱۸۳- علم به جنس، وصف و مقدار مالی که به وثیقه گذاشته می‌شود و علم به مقدار، اوصاف و شرایط دینی که وثیقه در مقابل آن اخذ می‌شود شرط صحت عقد صحیح نیست.

ماده ۱۸۴- هر مال منقول یا در حکم منقولی مانند مطالبات، ورقه اختراع و حق سرقفلی می‌تواند مورد وثیقه قرار گیرد، مشروط بر اینکه قابل واگذاری به غیر باشد.

تبصره- مقررات این فصل شامل رهن اموال غیرمنقول ذاتی نیست.

ماده ۱۸۵- وثیقه در مقابل کل طلب و متفرعات آن محسوب است، مگر برخلاف آن شرط شده باشد. هرگاه ثلاثی مال خود را به عنوان وثیقه داده باشد، توقف تعلق متفرعات طلب به دین اصلی موجب توقف تعلق متفرعات بر مال مورد وثیقه نیز می‌باشد.

ماده ۱۸۶- در صورت تسلیم وثیقه به وثیقه‌پذیر، وی به درخواست وثیقه‌گذار باید به او رسیدی دهد که در آن ماهیت چیزی که به وثیقه گذاشته شده است و نوع و مقدار و دیگر صفات مشخص کننده آن بیان شده باشد.

ماده ۱۸۷- اگر چند مال از بابت یک دین یا تعهد به وثیقه گذاشته شده باشد، حق تعیین مالی که به فروش گذاشته می‌شود از آن وثیقه‌پذیر است مگر آن که به گونه دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۸۸- هرگاه مالی مثلی به وثیقه گذاشته شود، وثیقه‌گذار می‌تواند مال مورد وثیقه را با مالی دیگر از همان نوع عوض کند. در صورتی که مال قیمی باشد، وثیقه‌گذار با رضایت وثیقه‌پذیر می‌تواند مال مورد وثیقه را عوض کند.

ماده ۱۸۹- هر توافقی که به وثیقه‌پذیر حق دهد در صورت عدم پرداخت دین در سرسید آن مال وثیقه را بدون رعایت تشریفات مقرر در این قانون بفروشد یا تملک کند، باطل است.

ماده ۱۹۰- در مورد اموال دارای سند رسمی، چنانچه وثیقه بودن مال به طور رسمی به ثبت نرسد وثیقه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست، وثیقه‌گذاری اسناد با نام از قبیل اوراق سهام و قبوض وثیقه علاوه بر ظهرنویسی، باید در دفتری که اسناد مذکور در آن به ثبت رسیده است ثبت و تأییدیه ثبت در دفاتر مذکور بر روی سند منعکس گردد و الا وثیقه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. در خصوص وثیقه‌گذاری سایر اموال قرارداد وثیقه باید در سامانه متمرکز نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که به این منظور ایجاد می‌شود به ثبت برسد و مراتب در وثیقه بودن مال، جنس، وصف و مقدار آن برای عموم قابل دسترس باشد. ثبت قرارداد وثیقه در سامانه مذکور بر عهده وثیقه‌گذار است. پس از ایجاد این سامانه وثیقه بدون ثبت در سامانه مذکور در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. نحوه اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که به وسیله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و ظرف یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره- وثیقه‌گذاری اسناد براتی (برات، سفته و چک) مشمول مقررات این فصل نیست.

shenasname.ir

ماده ۱۹۱- حقوق کارگران تا سقف پنج برابر حداقل حقوق هر سال بر هر طلب موثقی مقدم است.

ماده ۱۹۲- هرگاه مال مورد وثیقه مستحقٌللغیر درآید و مالک عقد را تنفیذ نکند، وثیقه‌پذیر می‌تواند تسلیم بدل مال مذکور را به عنوان وثیقه از طرف دیگر درخواست کند. اگر تسلیم بدل به هر نحوی ممکن نشود دین حال می‌شود.

ماده ۱۹۳- موارد سکوت این فصل بر مقررات قانون مدنی در باب رهن محمول است.

ماده ۱۹۴- در صورت عدم تأدیه دین تا ۳۰ روز پس از سررسید، وثیقه‌پذیر می‌تواند مال مورد وثیقه را از طریق موسسه حراجی به فروش رساند.

فصل هشتم- معامله از طریق حراجی

ماده ۱۹۵- حراجی عبارت است از عرضه مال با قیمت پایه مشخص و فروش آن به بالاترین قیمت پیشنهادی به صورت حضوری و یا برخط.

ماده ۱۹۶- مؤسسه حراجی شرکتی تجارتی است که اموال منقول اشخاص را از طریق حراجی به فروش می‌رساند.

ماده ۱۹۷- تأسیس و بهره‌برداری از مؤسسات حراجی موضوع این فصل و هرگونه اشتغال به عملیات حراجی به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نحوه نظارت، نحوه فعالیت و برگزاری جلسه حراجی و همچنین تعرفه اجرت مؤسسه حراجی به موجب این آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون به وسیله وزارت مذکور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۹۸- مؤسسه حراجی مکلف است علاوه بر دفاتر قانونی دفتر الکترونیک دیگری به نام دفتر حراجی داشته باشد. در این دفتر هویت متقاضیان فروش اموال، نوع اموال، تصویر اسناد ارائه شده برای اثبات مالکیت یا استحقاق متقاضی، آگهی ارائه شده در خصوص فروش، نتیجه برگزاری عملیات حراجی و هویت خریدار در صورت فروش کالاها، به ترتیب وقوع و مطابق آیین‌نامه موضوع ماده (۱۹۷) این قانون در آن ثبت و ضبط شود.

ماده ۱۹۹- مؤسسه حراجی، مدیر یا مدیران و کارکنان آن، اقربای نسبی درجه اول و دوم از طبقات اول و دوم و اقربای نسبی درجه اول و دوم آنان، اشخاص حقوقی که مؤسسه حراجی بیش از پنج درصد (۵٪) سهم آن را دارا باشد و اشخاصی که بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه مؤسسه حراجی را دارا باشند، به شکل مستقیم یا غیر مستقیم، حق شرکت در مزایده کالاهای به فروش گذاشته شده از طریق مؤسسه حراجی را ندارند. در غیر این صورت، مؤسسه حراجی علاوه بر لغو مجوز به جزای نقدی به میزان مال خریداری شده محکوم می‌شود. کلیه معاملات موضوع این ماده باطل است.

ماده ۲۰۰- مؤسسه حراجی قبل از دریافت مال یا استیلای بر آن به نحوی که قابل تسلیم به خریدار باشد، حق اجرای تشریفات حراجی و فروش آن را ندارد. همچنین مؤسسه حراجی باید در حدود متعارف اطمینان حاصل نمایید که طبق اسناد ارائه شده از سوی متقاضی از قبیل سند مالکیت، فاکتور خرید، سند وثیقه، بارنامه، قبض انبار وقبض وثیقه و نیز استعلام از مراجع ذی‌ربط عندالاقتضاء مانع قانونی بر انتقال مال وجود ندارد. در هر حال، استعلام از سامانه موضوع ماده (۱۹۰) این قانون ضروری است.

shenasname.ir

در صورت تخلف مؤسسه حراجی از مقررات این ماده، وی مسؤول خسارات وارد شده می‌باشد.

ماده ۲۰۱- تعیین قیمت پایه در صورتی که مالک مال متقاضی فروش باشد با توافق او تعیین می‌شود. در مواردی که در این قانون فروش مال به مؤسسه حراجی ارجاع شده است، تعیین قیمت پایه بر عهده مؤسسه حراجی است. در این خصوص، مؤسسه حراجی تکالیف و مسؤولیت کارشناس رسمی دادگستری را دارد.

ماده ۲۰۲- مؤسسه حراجی مبلغ حاصل از فروش را پس از کسر هزینه حراجی و سایر هزینه‌هایی که حسب مورد در قانون پیش‌بینی شده است، با رعایت ماده (۲۱۸) این قانون به ذی‌نفع پرداخت و قبض رسید آن را أخذ می‌کند. در صورتی که نقل و انتقال اموال مشمول مالیات باشد، مؤسسه حراجی قبل از پرداخت مبلغ نسبت به کسر آن اقدام می‌کند در غیر این صورت مسؤول پرداخت می‌باشد.

ماده ۲۰۳- در موارد زیر مؤسسه حراجی در مقابل ذی‌نفع مسؤول پرداخت خسارات است:

۱- فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.

۲- مؤسسه حراجی بدون جهت قانونی مانع خرید کسی شود و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد کند.

۳- در مواردی که اطلاع یا إذن دادستان ضروری است کالا را بدون اطلاع دادستان با إذن أو بفروش برساند.

۴- خریدار طبق ماده (۱۹۹) این قانون ممنوع از خرید بوده باشد.

۵- تعیین قیمت پایه به میزان نامتعارفی کمتر از قیمت متعارف در مواردی که تعیین قیمت بر عهده مؤسسه حراجی باشد.

۶- مؤسسه حراجی با دیگران برای اخلال در عملیات حراجی به هر نحو تبانی کرده باشد.

ماده ۲۰۴- مؤسسه حراجی نمی‌تواند از فروش اموالی که طبق قوانین و مقررات فروش آن به مؤسسه حراجی ارجاع شده است خودداری کند. در صورت تخلف، مجوز فعالیت مؤسه لغو و مؤسه حراجی تا سه سال از ثبت خود در دفتر ثبت تجارتی ممنوع می‌باشد.

ماده ۲۰۵- در شهرستان‌هایی که مؤسسه حراجی تشکیل نشده و حسب قوانین و مقررات فروش به مؤسسه حراجی ارجاع گردیده است، متقاضی حراج می‌تواند فروش کالا را از واحد اجرای ثبت اسناد و املاک مستقر در محل درخواست کند. در این موارد، واحد اجرای ثبت با رعایت مقررات و تشریفات بیان شده در این فصل کالاها را می‌فروشد.

ماده ۲۰۶- در خصوص اموال منقولی که فروش آن طبق این قانون به مؤسسات حراجی ارجاع شده است، رعایت تشریفات و احکام مقررشده در مواد (۲۰۷) تا (۲۲۰) این فصل ضروری است.

ماده ۲۰۷- قبل از انجام هر گونه حراجی، آگهی فروش باید در روزنامه‌ای که آگهی‌های موسسه حراجی در آن قید می‌شود و یا سامانه الکترونیک مؤسسه حراجی، و نیز سامانه یکپارچه حراجی منتشر شود. همچنین آگهی حراجی باید در مؤسسه حراجی به نحوی که در دید عموم باشد، تا اتمام عمیات حراجی الصاق شود. آگهی مذکور باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

۱- مشخصات مؤسسه حراجی؛

۲- نوع مال موضوع حراجی و توصیف اجمالی آن؛

۳- روز و محل و ساعت شروع حراجی

۴- قیمتی که حراجی از آن شروع می‌شود.

shenasname.ir

تبصره- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است حداکثر ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، با راه‌اندازی سامانه یکپارچه حراجی، امکان ثبت آگهی‌های حراج موضوع این ماده را به نحوی که اطلاعات آن به شکل روزامد برای عموم قابل دسترسی باشد فراهم کند. آگهی‌های مندرج در سامانه باید تا اتمام عملیات حراجی بر روی سامانه قابل دسترس باشد.

ماده ۲۰۸- فاصله انتشار آگهی تا روز حراج نباید از پانزده روز کمتر و از یک ماه بیشتر باشد. چنانچه افراد مالک یا متقاضی مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال مورد حراج باشند با نظارت مؤسسه حراجی می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی نمایند. در صورت اخیر، مفاد آگهی‌های انجام شده نباید متفاوت با آگهی منتشر شده از سوی مؤسسه حراجی باشد.

ماده ۲۰۹- مؤسسه حراجی مکلف است قبل از فروش مال از طریق حراجی مراقبت کامل نماید که تشریفات لازم به ویژه مندرجات آگهی طبق مقررات صحیحاً انجام شده باشد. در هر صورت، عدم رعایت تشریفات موجب ابطال عملیات حراج نیست، مگر این که وجود تبانی بین مؤسسه حراجی و خریدار محرز گردد. مسؤولیت خسارات ناشی از عدم رعایت تشریفات مقرر بر عهده مؤسسه حراجی و خریدار با سوءنیت می‌باشد.

ماده ۲۱۰- حراج باید در محل مؤسسه حراجی صورت گیرد. در صورت تراضی بین مالک و متقاضی فروش، می‌توان محل دیگری برای حراجی تعیین نمود.

ماده ۲۱۱- حراج اموال فاسدشدنی، حیوانات، طیور و اموالی که دارای قیمت بازاری یا بورسی هستند، می‌تواند بدون رعایت تشریفات، در محل وقوع اموال و با اطلاع دادستان یا نماینده او به عمل آید.

ماده ۲۱۲- حراجی به نحو حضوری و یا برخط است و در یک جلسه و در وقت اداری برگزار می‌شود. شرکت در عملیات حراجی برای عموم آزاد است. مؤسسه حراجی مکلف است پنج روز قبل از تاریخ تعیین شده برای فروش مال، آن را به نحو مناسب و متعارفی به رؤیت مشتریانی که مراجعه می‌کنند برساند. درخواست مالک یا متقاضی حراجی برای تقدم و تأخر در فروش اموال موضوع حراجی پذیرفته می‌شود.

ماده ۲۱۳- فروش از طریق موسسه حراجی به صورت نقدی است، شخصی که در نتیجه ارائه پیشنهاد بالاترین قیمت، خریدار واقع می‌شود باید تمام قیمت را نقداً تسلیم کند. اگر خریدار از پرداخت وجه خودداری نماید یا تقاضای فروش نسیه کند و ذی‌نفع فروش نسیه را قبول نکند، مال با رعایت تشریفات مقرر مجدداً به حراج گذارده می‌شود. در این صورت متقاضی می‌تواند برای هزینه حراج مجدد به مستنکف رجوع کند، به علاوه چنانچه مال به قیمت پایین‌تری به فروش رسد، خریدار مستنکف، مسؤول تفاوت است و در صورت عدم فروخته شدن مال مبلغ یک دهم پیشنهادی به عنوان مجازات در حق ذی‌نفع از مستنکف قابل وصول است. در مواردی که فروش مال به جهت تسویه دین باشد متقاضی حراجی صرفاً می‌تواند در حدود طلب خود فروش به وعده را اجاره دهد.

ماده ۲۱۴- در خصوص اموال سریع‌الفساد یا اموالی که نگهداری آن هزینه نامتناسبی تحمیل می‌کند و یا در صورتی که مصلحت صاحب کالا چنین اقتضاء نماید و دسترسی به صاحب کالا در موارد مذکور وجود نداشته باشد، هرگاه امکان فروش نقدی وجود

shenasname.ir

نداشته باشد، با اجازه دادستان یا نماینده او می‌توان پرداخت بهای اموال را به وعده قرار داد.

تبصره- اموال مذکور در این ماده در صورت إذن دادستان مشمول ممنوعیت ماده (۱۹۹) این قانون نمی‌باشد.

ماده ۲۱۵- هزینه حراج بر عهده متقاضی است. متقاضی می‌تواند پس از فروش مال هزینه‌های پرداخت شده را از عواید ناشی از فروش بردارد.

ماده ۲۱۶- اگر مال مورد حراج به فروش نرسد، متقاضی می‌تواند مجددا تقاضای حراج کند. حراج‌های بعدی نیز تابع تشریفات مقرر در این قانون است، لکن متقاضی نمی‌تواند هزینه بیش از دوبار حراج را از محل فروش مال مطالبه کند.

ماده ۲۱۷- در مواردی که فروش مال برای وصول طلب است، چنانچه در حراجی دوم نیز مال به فروش نرسد متقاضی می‌تواند مال مورد حراجی را به قیمتی که ارزیابی شده است، به ازای طلب خود قبول نماید.

ماده ۲۱۸- مؤسسه حراجی پس از فروش مال، طلب متقاضی و هزینه‌های حراج را از محل حاصل فروش به متقاضی پرداخت می‌کند و چنانچه مبلغ اضافه‌ای باقی بماند، آن را به مالک و در صورت عدم حضور مالک یا عدم احراز مالکیت وی در حساب مربوط به صندوق مؤسسه حراجی نزد یکی از بانک‌های مجاز دولتی به نام ذی‌نفع، به صورت کوتاه‌مدت تودیع و مراتب را به وی اطلاع می‌دهد.

ماده ۲۱۹- دادستان یا نمایندگان او می‌توانند در هر زمان با حضور در مؤسسات حراجی از جزئیات اقدامات مؤسسه در خصوص هر یک از معاملات و عملیات حراجی کسب اطلاع کنند. این امر نباید موجب اخلال در روند عادی فعالیت موسسه حراجی گردد.

ماده ۲۲۰- در مواردی که حسب قوانین و مقررات فروش به مؤسسه حراجی ارجاع گردیده است، مؤسسه حراجی باید پنج روز قبل از فروش و فوراً پس از فروش به نحو مقتضی مراتب را به اطلاع مالک برساند. متقاضی فروش باید اطلاعات مربوط به مالک را طبق مستندات موجود به مؤسسه حراجی اعلام نماید.

فصل نهم- اجاره به شرط تملیک (لیزینگ)

ماده ۲۲۱- قرارداد اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) قراردادی است که طبق آن شخصی مال متعلق به خود یا مالی را که طبق قرارداد تامین به او واگذار شده است به دیگری اجاره می‌دهد. به نحوی که در پایان مدت اجاره یا هر زمان که شروط مندرج در قرارداد تحقق یابد، مستأجر مورد اجاره را مالک گردد.

تبصره ۱- قرارداد تأمین قراردادی است که به موجب آن شخصی مالی را از شخص دیگری که تامین‌کننده نام دارد، به قصد اجاره دادن آن به شرط تملیک خریداری کرده است.

تبصره ۲- هر قرارداد دیگری نیز که متضمن نتیجه اجاره به شرط تملیک باشد، تابع مقررات این فصل است؛ اگر چه عنوان آن اجاره به شرط تملیک نباشد.

ماده ۲۲۲- اشتغال به عملیات واسپاری (لیزینگ) منوط به کسب مجوز از بانک مرکزی است.

ماده ۲۲۳- قرارداد اجاره به شرط تملیک بدون تأمین‌کننده فرض می‌شود، مگر این که ثابت شود

shenasname.ir

موجر مورد اجاره را از تأمین‌کننده خریداری کرده است.

ماده ۲۲۴- چنانچه موجر مال را طبق قرارداد تأمین، تهیه کرده باشد، این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد. همچنین هر مالی که موجر در خصوص آن قرارداد اجاره به شرط تملیک منعقد می‌کند این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد.

ماده ۲۲۵- قرارداد اجاره به شرط تملیک، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

۱- هویت موجر؛

۲- هویت مستأجر؛

۳- هویت تأمین کننده در صورت وجود؛

۴- مشخصات مال مورد اجاره؛

۵- مدت قرارداد؛

۶- مبلغ اجاره و شیوه پرداخت آن.

ماده ۲۲۶- تعیین مدت قرارداد برعهده طرفین است، لکن این مدت نمی‌تواند از سی‌درصد (۳۰٪) عمر متعارف موضوع قرارداد کمتر باشد در غیر ورت، دادگاه، به درخواست مستأجر، مدت قرارداد را تا حداقل مذکور در این ماده افزایش می‌دهد و اجاره‌بها را متناسب با آن تعیین می‌نماید.

ماده ۲۲۷- کلیه تعهداتی که تأمین‌کننده طبق قرارداد تأمین در مقابل خریدار بر عهده گرفته است، در صورت انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، از سوی مستأجر نیز قابل مطالبه است. موجر مکلف است یک نسخه از قرارداد تأمین را به ضمیمه قرارداد اجاره به شرط تملیک به مستأجر تحویل دهد.

ماده ۲۲۸- پس از انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، موجر و تأمین‌کننده نمی‌توانند مفادی از قرارداد تأمین را که با حقوق مستأجر در ارتباط است جز با رضایت مستأجر تغییر دهند.

ماده ۲۲۹- هزینه‌های تعمیر و نگهداری و همچنین انجام تکالیفی که طبق قوانین و مقررات مربوط به اجاره بر عهده موجر می‌باشد، در قرارداد اجاره به شرط تملیک بر عهده مستأجر خواهد بود.

ماده ۲۳۰- قبول مال زمانی صورت می‌گیرد که مستأجر انطباق مال با قرارداد را به موجر اطلاع دهد یا پس از داشتن فرصتی مناسب برای آزمایش آن را رد ننماید.

تبصره- هرگونه شرطی که تشخیص تخلف از مفاد قرارداد یا انطباق مورد اجاره با شرایط مورد توافق را بر عهده موجر یا تأمین‌کننده یا اشخاص ثالث تعیین شده از سوی آنان قرار دهد، باطل است.

ماده ۲۳۱- حقوق قراردادی موجر بدون رضایت مستأجر قابل انتقال به غیر است. در صورت انتقال حقوق مزبور، مستأجر می‌تواند به هر آنچه که می‌توانست علیه موجر تمسک کند علیه منتقلٌ‌الیه نیز استناد کند، تصرفات موجر در حدی که با حق مستأجر منافات داشته باشد باطل است.

ماده ۲۳۲- تعهدات موجر قابل واگذاری نیست، مگر با رضایت مستأجر. مع‌ذلک مستأجر نمی‌تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی‌شود، با این انتقال مخالفت نماید.

ماده ۲۳۳- حقوق و تعهدات قراردادی مستأجر قابل انتقال به غیر نیست، مگر با رضایت موجر و رعایت حقوق اشخاص ثالث. موجر نمی‌تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی‌شود، با این انتقال مخالفت نماید.

shenasname.ir

ماده ۲۳۴- هریک از موجر و تأمین‌کننده در برابر مستأجر مستقلاً مسؤول ضمان درک کل مال مورد اجاره هستند.

ماده ۲۳۵- مستأجر باید از مورد اجاره به نحو متعارفی بهره‌برداری نماید. چنانچه طبق قرارداد دستورالعمل خاصی برای نگهداری مال تعیین شده باشد، مستاجر مکلف است طبق دستورالعمل مذکور عمل نماید. در هر صورت دستورالعمل توافق‌شده برای نگهداری نمی‌تواند غیرمتعارف باشد و در صورت غیرمتعارف بودن این دستورالعمل، معیار تخلف مستأجر از نگهداری مال، عرف است.

ماده ۲۳۶- وجه التزام تأخیر یا عدم اجرای تعهد، خسارت تأخیر، جریمه دیرکرد یا هر عنوان دیگری که برای دریافت خسارت از مستأجر در قرارداد پیش‌بینی می‌شود و میزان مبلغ پیش‌پرداخت مستأجر نمی‌تواند از سقف نرخ‌هایی که به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار به این منظور تعیین می‌شود بیشتر باشد. هرگونه توافقی بیشتر از نرخ‌های اعلام شده باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی‌شود.

ماده ۲۳۷- مستاجر مکلف است مطابق قرارداد نسبت به پرداخت اقساط اقدام نماید. چنانچه در طول مدت اجاره مستاجر ۴ قسط متوالی را نپردازد، موجر حق فسخ قرارداد را دارد. هر توافقی که در این مورد شرایط سختگیرانه‌تری را مقرر کند، باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی‌شود.

تبصره- چنانچه عدم پرداخت اقساط به دلیل حادثه غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع باشد، مدت بروز حادثه مذکور به مهلت مذکور در این ماده اضافه می‌گردد.

ماده ۲۳۸- موجر می‌تواند در قرارداد امکان بازرسی و بازدید از مورد اجاره را شرط نماید. لکن این شرط نباید با استفاده متعارف مستأجر در تعارض بوده یا تکالیف غیرمتعارفی را بر او تحمیل نماید. هزینه بازرسی و بازدید از مورد اجاره بر عهده موجر خواهد بود.

ماده ۲۳۹- مستاجر مکلف است هرگونه اتفاقی را که منجر به کاهش شدید ارزش مورد اجاره شده است، در مدت سی روز به موجر اطلاع دهد.

ماده ۲۴۰- در پایان مدت اجاره، موجر مکلف است نسبت به تنظیم اسناد مالکیت مورد اجاره به نام مستاجر یا شخصی که او معرفی می‌کند اقدام نماید. موجر جز در موارد مصرح در این فصل نمی‌تواند از انجام این تعهد استنکاف یا انجام آن را به انجام تعهدات غیر متقابل مستأجر، همانند پرداخت خسارت و جریمه، موکول نماید.

ماده ۲۴۱- حق مستأجر نسبت به عین مستاجره مقدم بر حق بستانکاران موجر است. بستانکاران مستأجر قبل از حصول مالکیت مستاجر نسبت به عین مستأجره حقی نسبت به عین آن ندارند.

ماده ۲۴۲- پس از تحویل مورد اجاره و قبول آن از سوی مستأجر جبران هرگونه خسارت وارده بر مورد اجاره بر عهده مستأجر است، مگر اینکه خسارت وارده به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیر قابل رفع مستند باشد و در قرارداد شرط مسئولیت مطلق مستأجر نشده باشد.

ماده ۲۴۳- چنانچه مورد اجاره تلف شود، قرارداد منفسخ می‌شود. هرگاه تلف مورد اجاره بر اثر حادثه غیرقابل پیش‌بینی غیر قابل رفع باشد، مستأجر مسؤولیتی در قبال تلف عین مستاجره ندارد، لکن نمی‌تواند اجرت‌المسمی‌های پرداخت شده قبلی را

shenasname.ir

مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت‌المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه نماید.

ماده ۲۴۴- هرگاه تلف مورد اجاره مستند به مستأجر باشد، مستأجر مسؤول جبران زیان‌های وارد شده به عین مستاجره است و نمی‌تواند اجرت‌المسمی‌های پرداخت شده قبلی را مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت‌المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه نماید.

ماده ۲۴۵- چنانچه تلف مورد اجاره منتسب به ثالث باشد، وی مکلف است خسارات وارد شده به موجر و مستأجر را جبران کند. در هر صورت، مجموع خسارات پرداختی از سوی شخص ثالث نمی‌تواند از قیمت کل مال تلف شده بیشتر باشد.

ماده ۲۴۶- موجر نمی تواند جز در مورد عدم رعایت تکالیف مستاجر مطابق مقررات این فصل، حق فسخ قرارداد را شرط کند.

ماده ۲۴۷- درج هرگونه شرط در قرارداد که برای مستأجر مزایایی کمتر از مزایای مندرج در این فصل مقرر کند باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان قرارداد نمی‌شود.

ماده ۲۴۸- موارد سکوت در این فصل تابع مقررات قانون مدنی عقد اجاره است.

فصل دهم- نمایندگی توزیع

ماده ۲۴۹- نمایندگی توزیع قراردادی است که به موجب آن شخصی که تأمین‌کننده نامیده می‌شود در برابر شخص دیگر که توزیع‌کننده نامیده می‌شود تعهد می‌کند کالا یا کالاهایی را، به نحو مستمر، برای او تأمین کند تا وی بتواند آنها را در منطقه جغرافیایی توافق شده به نام و حساب خود به فروش رساند.

ماده ۲۵۰- قرارداد نمایندگی توزیع می‌تواند به شکل انحصاری یا غیرانحصاری منعقد شود. درصورتی که طبق قرارداد نمایندگی توزیع تأمین‌کننده نیز مجاز باشد که در منطقه جغرافیایی مورد توافق کالا را مستقیماً عرضه کند، قرارداد منعقد شده، «قرارداد نمایندگی توزیع مشترک» نامیده می‌شود.

ماده ۲۵۱- چنانچه در قرارداد نمایندگی توزیع قلمرو جغرافیایی عرضه کالا تعیین نشده باشد، در قراردادهای توزیع بین‌المللی کشور محل اقامت توزیع‌کننده و در قراردادهای توزیع داخلی شهر محل اقامت توزیع‌کننده به عنوان «قلمرو جغرافیایی عرضه کالا» محسوب است.

ماده ۲۵۲- مواد (۹۳) تا (۹۸) و (۱۰۷) این قانون درخصوص قرارداد نمایندگی توزیع نیز مجری است.

ماده ۲۵۳- توزیع‌کننده مجاز نیست هیچ اقدامی به نام ویا حساب تأمین‌کننده انجام دهد، مگر اینکه در آن مورد خاص بر وکالت توزیع‌کننده توافق شده باشد.

ماده ۲۵۴- اگر در طول مدت اجرای قرارداد نمایندگی توزیع، توزیع‌کننده مشتریانی را به تأمین‌کننده معرفی کند تا مستقیماً کالا را از او خریداری نمایند، مستحق اجرت متعارف طبق شرایط نماینده تجارتی خواهد بود، مگر اینکه در قرارداد برخلاف آن توافق شده باشد. در هر صورت این اقدام توزیع‌کننده موقعیت او را به نماینده تجارتی تغییر نمی‌دهد.

ماده ۲۵۵- درصورتی که قرارداد نمایندگی توزیع انحصاری منعقد شده باشد، تأمین‌کننده نمی‌تواند در منطقه جغرافیایی عرضه کالا برای شخص دیگری غیر از توزیع‌کننده تأمین کالا کند یا خود کالا را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به مشتریان منطقه مذکور

shenasname.ir

بفروشد. در غیر این صورت مسئول جبران خسارات وارده به توزیع‌کننده خواهد بود. همچنین توزیع‌کننده نیز نمی‌تواند بدون اجازه کتبی تأمین‌کننده به ارائه، تولید، بازاریابی و یا فروش هر نوع کالایی که رقیب کالاهای موضوع قرارداد است در منطقه جغرافیایی عرضه کالا اقدام نماید. چنانچه توزیع‌کننده در خارج از منطقه مذکور فعالیت داشته باشد یا کالاهای دیگری نیز عرضه کند که رقیب کالای موضوع قرارداد نمایندگی توزیع محسوب نشود، باید تا سی روز پس از وقوع این امر، تأمین‌کننده را در جریان فعالیت خود قرار دهد.

تبصره- در صورتی که تأمین‌کننده مشتریان خاصی را در منطقه جغرافیایی عرضه کلا از سابق داشته و به هنگام قرارداد نیز مشخصات و میزان فروش به آنان را به توزیع‌کننده اعلام کرده باشد، استمرار تأمین کالا برای مشتریان مزبور به میزان اعلام شده از حکم این ماده مستثنی است.

ماده ۲۵۶- چنانچه توزیع‌کننده در زمان انعقاد قرارداد توزیع اقدام به ارائه، تولید، بازاریابی یا فروش مستقیم و یا غیرمستقیم کالایی می‌نماید، باید فهرست آن‌ها را تهیه و به تأمین‌کننده تسلیم کند. همچنین در صورتی که تأمین‌کننده در منطقه جغرافیایی مذکور توزیع‌کننده دیگری دارد و یا خود مستقیما کالای موضوع قرارداد را توزیع می‌کند، باید این امر را به اطلاع توزیع‌کننده برساند.

ماده ۲۵۷- چنانچه تأمین‌کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه می‌کند، نماینده توزیع مکلف است کلیه تمهیدات لازم برای ارتباط مشتری با واحد مذکور را فراهم نماید. چنانچه تأمین‌کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه نکند، نماینده توزیع مکلف است خریدار را از این امر مطلع نماید، هرگونه توافقی خلاف مفاد این ماده باطل است.

ماده ۲۵۸- تعیین نحوه تبلیغ و محتوای آن در منطقه جغرافیایی عرضه کالا از اختیارات توزیع‌کننده است، مگر اینکه تأمین‌کننده نوع خاصی از تبلیغات را در قرارداد ممنوع یا مخالفت تبلیغات مذکور با حسن شهرت یا سیاست بازاریابی خود را به نماینده اعلام کرده باشد. در هر صورت توزیع‌کننده مکلف است قبل از اقدام به تبلیغ نمونه آن را برای تأمین‌کننده ارسال کند.

ماده ۲۵۹- هزینه شرکت در نمایشگاه‌ها و هزینه تبلیغات انجام شده ازسوی هر یک از طرفین قرارداد به عهده خود او خواهد بود. مگر آن که ترتیب دیگری در قرارداد پیش‌بینی شده باشد.

ماده ۲۶۰- تأمین‌کننده مکلف است بر طبق قرارداد، کلیه کالاهای سفارش داده شده ازسوی توزیع‌کننده را تأمین نماید. رد سفارشات توزیع‌کننده به نحو غیرمتعارف نقض تعهدات تأمین‌کننده تلقی خواهد شد.

ماده ۲۶۱- طرفین می‌توانند حداقل میزان فروش تضمین شده را در قرارداد پیش‌بینی کنند. در این صورت طرفین باید تلاش متعارف برای رسیدن به حداقل فروش تضمین شده را به عمل آورند.

ماده ۲۶۲- توزیع‌کننده می‌تواند توزیع‌کننده و یا نمایندگانی را برای کار توزیع و فروش کالا در منطقه جغرافیایی عرضه کالا به کار گیرد، مگر اینکه تأمین‌کننده او را از این کار منع کرده باشد. کلیه شرایطی که برای توزیع‌کننده اصلی از سوی تأمین‌کننده تعیین شده است درخصوص توزیع‌کنندگان فرعی و نمایندگان توزیع‌کننده اصلی نیز لازم‌الرعایه است. مسئولیت توزیع‌کنندگان و با

shenasname.ir

نمایندگان فرعی بر عهده توزیع‌کننده اصلی خواهد بود. توزیع‌کننده مکلف است مراتب مذکور را به تأمین‌کننده اطلاع دهد.

ماده ۲۶۳- در مواردی که تأمین‌کننده کالا در ایران اقامتگاه یا شعبه‌ای نداشته باشد، توزیع‌کننده مکلف است هرگونه تغییر در قوانین و مقرراتی را که به نحوی مرتبط با موضوع قرارداد است از قبیل قوانین و مقررات گمرکی، فنی، ایمنی و محیط زیستی به اطلاع او برساند.

ماده ۲۶۴- توزیع‌کننده در قیمت‌گذاری کالا بری فروش آن آزادی عمل دارد، مگر اینکه بر خلاف آن توافق شده یا قیمت‌گذاری او به نحوی باشد که موجب خدشه‌دار شدن شهرت و اعتبار کالا شود. درصورت اخیر، توزیع‌کننده اصلی و فرعی و نمایندگان آن‌ها حسب مورد مکلف به رعایت قیمت‌های توافق شده با اعلام شده از سوی تأمین‌کننده می‌باشند.

ماده ۲۶۵- هرگونه فروش، تبلیغ، بازاریابی یا واگذاری نمایندگی در خارج از منطقه جغرافیایی برای توزیع‌کننده ممنوع است. توزیع‌کننده مکلف است تمامی درخواست‌هایی را که از بیرون منطقه جغرافیایی عرضه کالا دریافت می‌کند به تأمین‌کننده ارسال کند. همچنین توزیع‌کننده موظف است درخصوص درخواست مشتریانی که اطلاع دارد هدف آن‌ها توزیع در خارج از منطقه جغرافیایی است طبق حکم این ماده عمل کند.

ماده ۲۶۶- توزیع‌کننده مجاز است تمامی علائم تجارتی، اسامی تجارتی و یا هر نوع علائم دیگر مربوط به تأمین‌کننده کالا را صرفا به منظور شناساندن و تبلیغات کالاها، در منطقه جغرافیایی عرضه کالا مورد استفاده قرار دهد، حق استفاده مذکور پس از انقضاه یا هر نوع خاتمه قرارداد منتفی می‌شود. با وجود این، توزیع‌کننده پس از ختم یا انقضای قرارداد نیز می‌تواند کالایی را که با علائم تجارتی تأمین‌کننده نزد او موجود است به فروش رساند.

ماده ۲۶۷- توزیع‌کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا، باید هرگونه دعوایی را که از سوی اشخاص ثالث در ارتباط با حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد مطرح شده است، همچنین هرگونه اقدامی را که تهدید یا نقض مالکیت مذکور باشد به تأمین‌کننده اطلاع دهد.

ماده ۲۶۸- توزیع‌کننده مکلف است به هزینه خود و در تمام طول مدت قرارداد موجودی کافی از تولیدات تأمین‌کننده و لوازم یدکی آن را که برای نیازهای عادی منطقه جغرافیایی عرضه کالا لازم است نگهداری کند. طرفین می‌توانند میزان موجودی مذکور را بالاتر از میزان متعارف تعیین نمایند.

ماده ۲۶۹- طرفین مکلف هستند کلیه استاد، مدارک و اطلاعات لازم و مربوط به اجرای مطلوب قرارداد توزیع را در حد متعارف و بدون دریافت هیچ‌گونه هزینه‌ای در اختیار یکدیگر قرار دهند.

ماده ۲۷۰- چنانچه قرارداد نمایندگی توزیع در مورد تخفیف خاص برای توزیع‌کننده نسبت به فهرست قیمت کالاها ساکت باشد، توزیع‌کننده مستحق همان تخفیفی خواهد بود که تأمین‌کننده به سایر توزیع‌کنندگان و برای کالاهایی با کیفیت مشابه اعطاء می‌کند.

ماده ۲۷۱- با انقضاء یا خاتمه قرارداد، توزیع‌کننده مکلف است تمامی ابزار تبلیغاتی و سایر اسناد و مدارک و نمونه‌هایی را که تأمین کننده در اختیار وی قرار داده است عودت کند.

shenasname.ir

ماده ۲۷۲- پس از انقضاء با خاتمه قرار داد، تأمین‌کننده باید تمامی کالای موجود نزد توزیع‌کننده را مرجوع کند و وجوه و با اسناد تجارتی دریافت شده بابت آنها را عودت دهد، مشروط بر اینکه این نوع از کالاها جزء آن دسته از محصولاتی باشد که هنوز توسط تأمین‌کننده به فروش می‌رسد و در شرایط مناسب و دارای بسته‌بندی اولیه باشد. در هرحال توزیع‌کننده می‌تواند کالاهای باقیمانده را بر اساس قرارداد و شرایط متعارف به فروش رساند. این حکم مانع الزام تأمین‌کننده به استرداد کالاهای باقیمانده و باز پس دادن وجوه و یا اسناد تجارئی دریافت شده مطابق مقررات این ماده نیست.

ماده ۲۷۳- هر کس برخلاف واقع ادعای نمایندگی توزیع از طرف دیگری کند، علاوه بر مهر و موم (پلمب) محل نمایندگی و جبران خسارات وارد شده به جزای نقدی درجه سه قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

فصل یازدهم- ضمانت

ماده ۲۷۴- ضمانت بر دو قسم است: ضمانت تبعی و ضمانت مستقل.

مبحث اول- ضمانت تبعی

ماده ۲۷۵- در هر مورد که چند شخص به موجب قرارداد یا قانون به طور مستقل مسئول ایفای دین واحدی باشند بستانکار می‌تواند برای وصول تمام یا بخشی از طلب خود به هر یک از مسؤولان رجوع کند، مگر اینکه مطابق قانون یا قرارداد مکلف شده باشد در ابتداء به یکی از مسؤولان مراجعه و در صورت عدم وصول طلب به دیگری رجوع کند.

ماده ۲۷۶- ضامن قبل از رسیدن اجل دین اصلی ملزم به تأدیه نیست، حتی اگر به سببی مانند فوت، دین اصلی حال شود. ضمان حال از این حکم مستثنی است.

ماده ۲۷۷- اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به شرطی مانند اخطار قبلی باشد، رعایت آن شرط نسبت به ضامن نیز الزامی است.

ماده ۲۷۸- چنانچه تمام یا بخشی از دین اصلی به هر نحو ساقط گردد، ضامن نیز حسب مورد نسبت به تمام دین یا بخش ساقط شده از مسؤولیت بری می‌شود.

ماده ۲۷۹- پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت کرد، مضمونٌله باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمونٌعنه لازم و مفید است به او بدهد و اگر دین اصلی وثیقه داشته باشد، آن را به ضامن تسلیم کند. اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته باشد، وثیقه دهنده مکلف است تشریفاتی را که برای انتقال وثیقه به ضامن به عنوان وثیقه گیرنده جدید لازم است، انجام دهد. **(ارجاع به کمیسیون)**

ماده ۲۸۰- ضامنی که به صورت تبرعی ضمانت کند، حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.

مبحث دوم- ضمانت مستقل

ماده ۲۸۱- ضمانت مستقل قراردادی است که به موجب آن شخصی (ضامن) به درخواست دیگری (مضمونٌعنه) پرداخت مبلغ معینی به شخص ثالث (مضمونٌله) را با رعایت شرایط مقرر در قرارداد و مستقل از رابطه مبنایی بین مضمونٌعنه و مضمونٌله بر عهده می‌گیرد.

ماده ۲۸۲- سند حاکی از قرارداد ضمانت مستقل، ضمانتنامه مستقل نامیده می‌شود.

shenasname.ir

ماده ۲۸۳- ضامن می‌تواند برای تضمین بازپرداخت مبالغ پرداخت شده به موجب ضمانتنامه، از مضمون عنه تقاضای ضمانتنامه کند. این ضمانتنامه که به وسیله خود مضمون عنه با به درخواست وی صادر می‌شود ضمانتنامه متقابل نام دارد و جز در موارد مصرح تابع احکام ضمانتنامه مستقل است.

ماده ۲۸۴- تعهدات ناشی از ضمانتنامه موضوع این باب، مستقل از تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادر کننده، معتبر است. هر گونه اشاره‌ای که در ضمانتنامه به تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی ناشی از قرارداد اصلی گردد. خللی به مستقل بودن ضمانتنامه وارد نخواهد کرد.

ماده ۲۸۵- ضمانتنامه مستقل باید علاوه بر مهر و امضای صادرکننده مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- درج عبارت ضمانتنامه مستقل، بر روی سند

۲- هویت و نشانی متقاضی (مضمونٌعنه)

۳- هویت و نشانی صادر کننده (ضامن)

۴- هویت و نشانی ذینفع (مضمونٌله)

۵- تاریخ صدور به روز و ماه و سال

۶- مبلغ ضمانتنامه

۷- تاریخ خاتمه اعتبار ضمانتنامه یا واقعه منتج به خانمه اعتبار ضمانتنامه

۸- تاریخ و شرایط مطالبه مبلغ و مدارک لازم برای احراز شرایط عندالاقتضاء

۹- شرایط تغییر مفاد ضمانتنامه

۱۰- مشخصات قرارداد اصلی

۱۱- مشخصات ضمانتنامه متقابل در صورت وجود

۱۲- قابلیت تمدید یا عدم تمدید ضمانتنامه و بیان نحوه تمدید در صورت قابل تمدید بودن

تبصره- هرگونه شرطی مبنی بر پرداخت وجه ضمانتنامه بدون درخواست ذی‌نفع یا تمدید آن به نحو خود به خود ممنوع است. تمدید ضمانتنامه در هر حال منوط به موافقت صادر کننده است.

ماده ۲۸۶- اگر تاریخ اعتبار ضمانتنامه مستقل در آن ذکر کرد تا پنج سال از تاریخ صدور اعتبار دارد. چنانچه ضمانتنامه متقابل فاقد مدت باشد، مدت اعتبار آن برابر با یک سال پس از تاریخ اعتبار ضمانتنامه اصلی خواهد بود.

ماده ۲۸۷- هر شرطی که استقلال ضمانتنامه مستقل را تغییر دهد بی‌اثر است.

ماده ۲۸۸- ضمانتنامه مستقل به محض صدور غیر قابل برگشت است، حتی اگر صریحا در آن قید نشده باشد.

ماده ۲۸۹- به محض اینکه ضمانتنامه مستقل به متقاضی یا نماینده وی تسلیم شد، صادر شده محسوب می‌شود، مگر آنکه در ضمانتنامه به نحو دیگری توافق شود. ارسال ضمانتنامه برای متقاضی با نماینده وی در حکم تسلیم است.

ماده ۲۹۰- به محض صدور ضمانتنامه و تا قبل از انقضای اعتبار آن ذی‌نفع می‌تواند با ارائه ضمانتنامه مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آنکه در ضمانتنامه زمان و یا شرایط خاصی برای مطالبه تعیین شود.

تبصره- به جز درج تاریخ یا قید گذشت زمان معین، ضمانتنامه نباید حاوی شرطی باشد که نتوان برای احراز تحقق آن شرط، مدرکی ارائه کرد. در صورت وجود چنین شرطی یا در مواردی که مدرک احراز شرط معین نشده باشد و سوابق موجود نزد ضامن نیز نتواند تحقق شرط را اثبات نماید، ضامن باید بدون توجه به آن شرط وجه را پرداخت کند. همچنین پرداخت ضمانتنامه نباید منوط به ارائه مدرکی شود که متقاضی صادر کننده انحصاری آن است.

shenasname.ir

ماده ۲۹۱- هر یک از ذی‌نفع و متقاضی می‌تواند با رعایت شرایطی که عندالاقتضاء برای تغییر ضمانتنامه پیش‌بینی شده است تغییر آن را تقاضا نماید. در این صورت ضامن مکلف است درخواست تغییر را برای طرف دیگر ارسال کرده و موافقت کتبی وی را درخواست کند. در صورت موافقت کتبی ذی‌نفع یا متقاضی، از لحظه صدور اصلاحیه وفق ماده (۲۸۹) این قانون، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می‌شود، مگر آنکه در متن موافقتنامه به نحو دیگری توافق گردد. چنانچه ذی‌نفع یا متقاضی در گذشته و به صورت کتبی با اصلاحیه موافقت نکرده باشد، از لحظه‌ای که صادرکننده ضمانتنامه اعلامیه پذیرش اصلاحیه به وسیله ذی‌نفع یا متقاضی را دریافت می‌کند، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می‌شود، مگر آنکه بر خلاف آن توافق شده باشد.

تبصره- در مواردی که تغییر ضمانتنامه، تعهدات صادر کننده را تغییر دهد، موافقت صادرکننده برای تغییر لازم است. با وجود این چنانچه تغییر به دلیل پرداخت بخشی از وجه ضمانتنامه یا سررسید شدن تاریخ یا واقع شدن شرایط مندرج در آن تقاضا گردد، صادر کننده مکلف به تغییر است.

ماده ۲۹۲- تغییر ضمانتنامه مستقل تأثیری به زیان تأیید کننده ضمانتنامه ندارد، مگر اینکه وی به طور کتبی موافقت کرده باشد، تأیید کننده ضمانتنامه شخصی است که اجرای مفاد ضمانتنامه به وسیله ضامن را تعهد می‌کند.

ماده ۲۹۳- ضمانتنامه مستقل در صورتی قابل انتقال است که صراحتا عبارت قابل انتقال در آن درج شده باشد. انتقال ضمانتنامه با موافقت صادر کننده و پس از اخطار انتقال دهنده به ضامن مبنی بر اینکه انتقال گیرنده جانشین حقوق و تعهدات او در رابطه پایه شده است، محقق خواهد شد. **(ارجاع به کمیسیون)**

ماده ۲۹۴- هر یک از اطراف ضمانتنامه مستقل، می‌تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرف‌های ضمانت یا اشخاص ثالث فقط به طور رسمی وکالت دهد.

ماده ۲۹۵- در صورتی که صادرکننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانتنامه را پرداخت کند، از سوی ذی‌نفع اخطاری مبنی بر انتقال ضمانتنامه به شخص ثالث دریافت کند و بر اساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانتنامه را به وی بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانتنامه بری می‌شود.

ماده ۲۹۶- تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه باید با رعایت شرایط مندرج در ضمانتنامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه به منزله اقرار ذی‌نفع به موارد زیر است:

۱- کلیه اسناد ارائه شده منطبق با مقررات است و هیچ یک از آنها مجعول و غیرواقعی نیست؛

۲- هیچ پرداخت با تعهد پرداختی درباره اسناد ارائه شده انجام نشده است.

ماده ۲۹۷- تقاضای پرداخت ضمانتنامه متقابل باید همراه اخطاریه‌ای از طرف ذینفع آن مبنی بر دریافت مطالبه وجه ضمانتنامه مستقل مربوط مطابق با شرایط آن است.

ماده ۲۹۸- پرداخت مبلغ ضمانتنامه و ارائه اسناد مندرج در آن باید حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه و در محل صدور آن از صادر کننده یا نماینده او تقاضا شود، مگر اینکه در ضمانتنامه به نحو دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۹۹- انقضای اعتبار ضمانتنامه مستقل ممکن است در تاریخ مشخصی باشد یا به تحقق شرط معینی موکول شود. اگر هر دو ذکر شود هر یک،

shenasname.ir

زودتر اتفاق افتد تاریخ انقضاء اعتبار ضمانتنامه خواهد بود، مگر بر خلاف آن توافق شده باشد.

ماده ۳۰۰- تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانتنامه یا پرداخت مبلغ آن در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آنکه این امر در ضمانتنامه پیش‌بینی شود. در صورتی که متقاضی وثیقه‌ای در خصوص ضمانتنامه به صادرکننده داده باشد، با بازپرداخت هر بخش از مبالغی که ضامن به مضمونٌله پرداخته است می‌تواند به نسبت، خواهان آزاد شدن وثیقه خود گردد مشروط بر آنکه وثیقه قابلیت تفکیک داشته باشد.

ماده ۳۰۱- صادرکننده باید تقاضای پرداخت ذی‌نفع و استاد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف، اصالت اصل سند و اسناد ضمیمه آن و مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه را در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین‌المللی حداکثر تا یک ماه از تاریخ درخواست پرداخت، احراز و تعهد خود را ایفا کند. ایفای تعهد با تأدیه مبلغ مندرج در ضمانتنامه محقق می‌شود و ممکن است، حسب دستور ذی‌نفع، از طریق صدور حواله، قبول و پرداخت برات یا امثال آن انجام گیرد.

تبصره ۱- چنانچه ضمانتنامه متضمن شرطی دال بر ارائه اسناد و مدارک نباشد در صورت مطالبه وجه ضمانتنامه توسط ذی‌نفع، صادر کننده موظف است پس از وصول درخواست مطالبه، تا چهل و هشت ساعت مبلغ ضمانتنامه را به ذی‌نفع پرداخت نماید.

تبصره ۲- صادر کننده مکلف است به محض تقاضای پرداخت ضمانتنامه از سوی ذی‌نفع این موضوع را به موجب اخطار به اطلاع متقاضی و ضامن متقابل در صورت وجود برساند.

ماده ۳۰۲- چنانچه مطالبه مبلغ به ارائه استادی منوط شود و صادر کننده اسناد ارائه شده را با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه مغایر تشخیص دهد، باید ظرف مدت سه روز مراتب را همراه دلایل رد به صورت کتبی به اطلاع ذی‌نفع برساند. صادر کننده باید به تقاضای ذی‌نفع اصل اسناد را مسترد کند.

ماده ۳۰۳- قبول هیچ یک از اسناد به وسیله صادرکننده نباید به امضاء با تأید متقاضی صدور ضمانتنامه یا امضای شخص ثالث منوط شود.

ماده ۳۰۴- در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول یا وقوع جرمی در مورد آنها محرز باشد، پرداخت وجه متوقف می‌شود.

ماده ۳۰۵- چنان چه ضمانتنامه متضمن شرطی دال بر ارائه اسناد و مدارک باشد، ضامن بر مبنای ظاهر اسناد و مدارک ارائه شده در حد عرف بانکداری عمل می‌نماید و هیچ گونه تعهد یا مسوولیتی در این خصوص از جمله موارد زیر ندارد:

۱- اصالت و صحت هرگونه امضاء، مدارک، اسناد و اطلاعات ارائه شده؛

۲- هرگونه اظهارات کلی یا خاص در خصوص مدارک و اسناد ارائه شده؛

۳- وجود کالا یا خدمات و همچنین شرح، مقدار، وزن، کیفیت، بسته بندی، تحویل و ارزش آنها و سایر کارهای اجرائی یا آماری که در اسناد و مدارک، به آنها اشاره شده است؛

۴- حسن نیت، فعل یا ترک فعل، اعتبار مالی و شخصی صادر کننده اسناد و مدارک.

ماده ۳۰۶- در صورتی که صادر کننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذی‌نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران کلیه خسارات وارد شده به ذی‌نفع و متقاضی است.

shenasname.ir

ماده ۳۰۷- در صورتی که صادر کننده، مبلغ ضمانتنامه مستقل را مطابق شرایط ضمانتنامه پرداخت کنند، متقاضی باید مبالغ زیر را به وی بپردازد:

۱- مبلغ مندرج در ضمانتنامه تا سقفی که به ذی‌نفع پرداخت شده است.

۲- کارمزدی که ممکن است برای پرداخت معین شده باشد.

۳- هزینه‌ها و خساراتی که صادر کننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانتنامه متحمل شده است. طرفین می‌توانند در این خصوص بر مبلغ مقطوعی به عنوان خسارت توافق کنند.

ماده ۳۰۸- در صورت فقدان، سرقت یا از بین رفتن ضمانتنامه صادرکننده به تقاضای ذی‌نفع ملزم به صدور نسخه جایگزین (المثنی) یا عندالاقتضاء پرداخت مبلغ ضمانتنامه می‌باشد. در صورت صدور نسخه جایگزین باید عبارت «نسخه جایگزین (المثنی)» بر روی ضمانتنامه درج گردد.

ماده ۳۰۹- صادرکننده ضمانتنامه در موارد زیر از پرداخت وجه به ذی‌نفع خودداری می‌کند:

۱- چنانچه اسناد ارائه شده صحیح نباشد یا مجعول باشد،

۲- چنانچه وجه ضمانتنامه طبق شرایط مندرج در آن قابل مطالبه نباشد،

۳- چنانچه مطالبه وجه هیچ مبنای ممکن و قابل تصوری نداشته باشد مانند موارد زیر:

۳-۱- واقعه یا خطری که ضمانتنامه مستقل به منظور حمایت ذی‌نفع در برابر آن صادر شده است مسلما رخ نداده باشد.

۳-۲- تعهد پایه توسط دادگاه باطل اعلام شده باشد، مگر اینکه در ضمانتنامه تصریح شده باشد بطلان تعهد پایه نیز تحت پوشش ضمانتنامه قرار دارد.

۳-۳- تعهد پایه بدون تردید با رضایت ذی‌نفع اجراء شده باشد.

۳-۴- به تشخیص دادگاه تقصیر ذی‌نفع آشکارا مانع اجرای تعهد پایه شده باشد.

۴- در مورد ضمانتنامه متقابل، هرگاه ذی‌نفع ضمانتنامه متقابل به عنوان صادرکننده ضمانتنامه مستقل مربوط، وجه آن را با سوءنیت پرداخته باشد.

تبصره- متقاضی ضمانتنامه می‌تواند از دادگاه در موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) این ماده صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت ضمانتنامه را تقاضا نماید.

ماده ۳۱۰- در صورتی که صادر کننده به دلیل حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل رفع با دستور مقام قضائی نتواند مبلغ ضمانت را پرداخت کند و مدت اعتبار ضمانتنامه نیز در این مدت منقضی شده باشد، ضمانتنامه تا سی روز پس از رفع موارد مذکور معتبر خواهد بود. چنانچه ذی‌نفع پیش از تاریخ بروز حادثه یا پیش از تاریخ وصول دستور مقام قضائی مبنی بر عدم پرداخت، درخواست مطالبه وجه ضمانتنامه را به صادر کننده یا ضامن ارائه نموده باشد صادر کننده موظف است پس از رفع موارد مذکور مطابق مقررات این قانون، وجه ضمانتنامه را به ذی‌نفع پرداخت نماید.

ماده ۳۱۱- هر کس با علم به بلاجهت بودن وصول مبلغ ضمانتنامه آن را وصول کند، به جزای نقدی از نصف تا کل مبلغ ضمانتنامه و جبران خسارت زیان دیده محکوم خواهد شد.

ماده ۳۱۲- مقررات این فصل نافی اختیارات مراجع ذیصلاح در تنظیم دستورالعمل اجرائی ناظر بر ضمانتنامه‌های بانکی ناشی از سیاست‌های پولی و بانکی نیست.

shenasname.ir

فصل دوازدهم- اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز)

ماده ۳۱۳- اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز) قراردادی است که به موجب آن، دارنده یک کسب و کار حق استفاده از مالکیت فکری خود در آن کسب و کار مانند نام و علامت تجارتی و دانش فنی را به منظور راه اندازی و انجام همان کسب و کار تحت همان نام و علامت و با شرایط معین و با کمک و تحت نظارت مستمر خود در محدوده جغرافیایی معین به دیگری اعطاء می‌کند.

ماده ۳۱۴- امتیازگیرنده مستقل بوده و به نام و حساب خود فعالیت می‌کند.

ماده ۳۱۵- طرفین قرارداد موظف هستند تا قرارداد اعطای امتیاز و هر نوع تغییر در مفاد آن را نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت برسانند. قراردادی که برای ثبت به مرجع ثبت ارائه می‌شود، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

۱- هویت طرفین قرارداد؛

۲- نام و مشخصات کسب و کار؛

۳- مابه ازای امتیاز اعطاء شده و هزینه های مرتبط از قبیل هزینه تبلیغات، هزینه ارتقاء؛

۴- تعهدات امتیاز دهنده؛

۵- تعهدات امتیاز گیرنده؛

۶- مشخصات مالکیت فکری اعطاء شده؛

۷- تعیین تکلیف در خصوص امکان واگذاری کسب و کار به شخص دیگر و شرایط آن در صورت امکان؛

۸- نوع و مشخصات کمک های اعطائی از سوی امتیاز دهنده؛

۹- مدت زمان قرارداد و شرایط درباره تمدید آن؛

۱۰- حقوق و تکالیف طرفین پس از خاتمه یا انقضای قرارداد؛

۱۱- انحصاری یا غیر انحصاری بودن قرارداد؛

۱۲- تعیین تکلیف کسب و کار در صورت فوت امتیاز گیرنده؛

۱۳- تکلیف قرارداد در صورت تغییر یا انقضای مالکیت فکری در طول مدت قرارداد؛

۱۴- نحوه تبلیغات به خصوص امکان یا عدم امکان تبلیغ در خارج از حوزه جغرافیایی.

ماده ۳۱۶- اعطای امتیاز کسب و کار باید در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسد. در غیر این صورت محل کسب و کار امتیازگیرنده مهر و موم (پلمب) خواهد شد. ثبت مذکور منوط به ارائه گواهی ثبت قرارداد اعطایی امتیاز مطابق ماده (۳۱۵) این قانون است.

ماده ۳۱۷- مرجع ثبت، مفاد بندهای (۱)، (۲)، (۶)، (۷)، (۹) و (۱۱) ماده (۳۱۵) این قانون و هر نوع تغییر در خصوص آنها را در روزنامه رسمی منتشر می‌کند. در صورت عدم ثبت قرارداد، طرفین نمی‌توانند به ضرر اشخاص ثالث ناآگاه به مفاد قرارداد استناد نمایند.

ماده ۳۱۸- امتیازدهنده باید حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد اعطای امتیاز کسب و کار را به شکل قانونی کسب کرده و در مواردی که الزام به ثبت آن وجود دارد، آن را به ثبت برساند. امتیازدهنده ضامن اعتبار این حقوق در طول دوره قرارداد است.

ماده ۳۱۹- هرشخصی بدون انعقاد قرارداد امتیاز طبق این قانون، خود را منتسب به شبکه کسب و کار کرده یا اقداماتی انجام دهد که نوعاً موجب گمراهی مردم در خصوص انتساب آن به یک شبکه کسب و کار مشخص باشد، علاوه بر جبران خسارات وارده به جزای نقدی درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

shenasname.ir

ماده ۳۲۰- امتیازدهنده مکلف است قبل از انعقاد قرارداد اطلاعات زیر را در اختیار متقاضی امتیاز، قرار دهد:

۱- اطلاعات شبکه کسب و کار از قبیل ساختار و وسعت شبکه و سوابق آن؛

۲- حق مالکیت فکری مرتبط و هرگونه دعوای طرح شده در خصوص آن؛

۳- دعاوی مطرح علیه امتیاز دهنده یا وابستگان تجارتی آن در ارتباط با موضوع قرارداد در مدت ۵ سال اخیر؛

۴- سابقه ورشکستگی یا توقف در ۵ سال اخیر؛

۵- مشخصات امتیازگیرندگان نزدیک به منطقه جغرافیایی متقاضی؛

۶- اطلاعات امتیازگیرندگانی که در ۵ سال اخیر با شبکه کسب و کار قطع همکاری کرده اند با بیان علت قطع همکاری؛

تبصره- هرگونه توافقی بر خلاف این ماده کن لم یکن تلقی خواهد شد. در صورت عدم ارائه اطلاعات یا ارائه اطلاعات خلاف واقع امتیازدهنده مسئول جبران خسارات طرف مقابل است. علاوه بر این امتیاز گیرنده ناآگاه می‌تواند قرارداد را فسخ کند.

ماده ۳۲۱- امتیازدهنده مکلف است اطلاعات، دانش فنی و آموزش های لازم برای راه اندازی کسب و کار را به امتیازگیرنده ارائه دهد. در صورتی که در طول اجرای قرارداد در اطلاعات و دانش فنی، تصحیح، توسعه و یا تکمیل یابد، امتیازدهنده موفق به ارائه اطلاعات و دانش جدید است.

ماده ۳۲۲- در صورتی که مالکیت فکری موضوع قرارداد از سوی شخص ثالث نقض شود، امتیازدهنده مکلف است نسبت به جلوگیری از نقض مذکور اقدامات لازم را انجام دهد. در صورت تقاضای امتیازگیرنده مبنی بر جلوگیری از نقض و عدم انجام اقدامی از سوی امتیازدهنده، امتیازگیرنده در محدوه جغرافیایی خود، شخصا می‌تواند علیه ثالث اقامه دعوی کند. در این صورت هزینه های متحمله و خسارات ناشی از عدم اقدام بر عهده امتیازدهنده خواهد بود.

ماده ۳۲۳- امتیازگیرنده متعهد است روش تجارتی و دستورالعمل‌های صادره از سوی امتیاز دهنده را رعایت کند. دستورالعمل‌های مذکور تا مقداری نافذ خواهد بود که به مستقل بودن امتیاز گیرنده طبق ماده (۳۱۴) این قانون خللی وارد نشود.

ماده ۳۲۴- امتیازدهنده موظف به نظارت بر شیوه عملکرد امتیاز گیرنده است تا کالای ارائه شده از سوی او برخلاف استانداردها و کیفیت کالاهای اصلی نباشد.

ماده ۳۲۵- امتیازگیرنده باید حق دسترسی به محیط فعالیت خود را برای امتیازدهنده فراهم کند به نحوی که امتیازدهنده اطمینان حاصل کند امتیاز گیرنده بر طبق قرارداد و دستورالعمل‌های صادره عمل کرده و اقدامی انجام نمی‌دهد که شهرت و اعتبار شبکه کسب و کار را به خطر اندازد. همچنین امتیازگیرنده باید حق دسترسی به دفاتر و سایر اسناد مالی مربوط به قرارداد را برای امتیازدهنده فراهم نماید.

ماده ۳۲۶- امتیازدهنده در صورت انحصاری بودن قرارداد امتیاز نمی‌تواند در منطقه جغرافیایی مورد توافق، به شکل مستقیم یا غیر مستقیم اقدام به رقابت با امتیاز گیرنده کند یا با شخص دیگری در خصوص موضوع قرارداد، قرارداد اعطای امتیاز دیگری منعقد نماید.

ماده ۳۲۷- امتیازدهنده باید تمامی اقدامات لازم و متعارف به ویژه طراحی برنامه‌های تبلیغاتی را در جهت حفظ و ارتقای شهرت و اعتبار شبکه کسب و

shenasname.ir

کار انجام دهد. انجام هر گونه اقدامی توسط امتیازگیرنده که موجب خدشه به اعتبار و حسن شهرت شبکه کسب و کار شود، ممنوع است.

ماده ۳۲۸- امتیازدهنده می‌تواند در قرارداد شرط کند که امتیازگیرنده تا مدتی بعد از انقضای قرارداد از راه‌اندازی کسب و کاری مشابه با موضوع قرارداد در همان منطقه جغرافیایی ممنوع باشد، در هر صورت مدت مذکور نمی‌تواند بیش از ۲ سال پس از انقضای قرارداد باشد.

ماده ۳۲۹- بعد از انقضای مدت قرارداد، امتیازگیرنده حق فروش اموالی که نزد او باقی مانده است را با همان شرایط مذکور در قرارداد دارد و این امر نقض مالکیت امتیازدهنده محسوب نمی‌شود؛ مگر اینکه امتیازدهنده خود خواهان خرید کالاهای مذکور به قیمت روز باشد که در این صورت امتیازگیرنده باید از فروش کالاهای مذکور به غیر خودداری کند.

ماده ۳۳۰- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون موارد زیر نسخ می‌شود:
۱- مواد (۳۳۵) تا (۴۱۱) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی
۲- تصویبنامه قانونی مربوط به تأسیس انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰/۶/۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

ماده ۳۳۱- مفاد این قانون از تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ لازم‌الاجراء است.

shenasname.ir